وزارت تحصیلات عالی

پوهنتون کابل

پوهنځی شرعیات

بخش تفسیر و حدیث

اهمیت آب در قرآن کریم و تاثیر آن بر موجودات زنده

(پایان نامه ماستری)

تحقیق کننده: بی بی رویدا محمدی

استاد راهنما: پوهنوال دکتور نجیب الله فهیم

سال تحصیلی: ۱۴۰۴ه ش

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

مقدمه 1

فصل اول اهمیت آب و محافظت آن از فساد 4

مقدمه: 4

مبحث اول: اهمیت آب 5

مطلب اول: اهمیت شرعی آب 5

مطلب دوم: اههمیت اقتصادی آب 10

1- تجارة 10

مطلب سوم: اهمیت سیاسی آب 20

مطلب چهارم: اهمیت طبی آب 22

مطلب پنجم: سیراب سازی آب 24

مبحث دوم: محافظت آب از فساد 25

مطلب اول: اسباب فساد آب 25

مطلب دوم: اضرار و خطرات فساد آب 27

مطلب سوم: روش های حفاظت از آب 28

فصل دوم : مصادر و اقسام آب در قرآن کریم 31

مقدمه : 31

مبحث اول:مصادر آب در قرآن 32

مطلب اول: بیرون شدن آب از زمین 32

الف- چشمه ها 32

ب- نهرها 36

ج- چاه ها 40

مطلب دوم:نزول آب از آسما 41

الف- ابرها 42

ب- کوه های ژاله 45

ج- باران 46

د- وابل وطل 49

مبحث دوم: اقسام آب در قرآن کریم 50

مطلب اول: آب شیرین و گوارا 50

الف- العذب 50

ب- معین 51

ج- فرات 52

د- مبارک 52

ه- طهور 53

مطلب دوم: آب نمکی و تلخ 53

فصل سوم: آب وسیله نعمت و عذاب دنیوی و اخروی 54

مبحث اول: آب وسیله نعمت در دنیا و آخرت 54

مطلب اول: آب وسیله نعمت در دنیا 54

الف- وسیله صحت و شفا 55

ب- وسیله حیات 55

ج- زراعت 56

د- تزاوج و تلقیح 57

مطلب دوم: آب وسیله عذاب در دنیا 57

الف- هلاک فصل ها وزراعت 58

ب- هلاک اقوام 58

مبحث دوم: آب وسیله نعمت دنیا و آخرت 59

مطلب اول: آب وسیله نعمت در آخرت 59

مطلب دوم: آب وسیله عذاب در آخرت 60

فصل چهارم آب وسیله نشانه های قدرت الله متعال 64

مبحث اول:نشأت وزندگی زنده جان ها 64

مطلب اول: کاینات بحری 64

مطلب دوم: تلقیح و ازدواج 64

مطلب سوم: زنده شدن زمین پس از خشکی 65

مبحث سوم: جریان های آب ها 67

مطلب اول: جاری شدن آب از سنگ 67

مطلب دوم: جذبیت زمین آب را 68

مطلب سوم: تسجیر آب 68

فصل پنجم: آب در امثال قرآنی 70

مبحث اول: عظمت وبزرگی الله متعال 70

مطلب اول: حالت زمین 70

مطلب دوم: نزول آب از ابرها 71

مبحث دوم: بیان احوال اعمال و انسان ها 72

مطلب اول: حق وباطل 72

مطلب دوم: حال منافقین 73

مطلب سوم: قساوت قلب 74

مطلب چهارم: اعمال کفار 75

مطلب پنجم: ریاکار 76

مطلب ششم: انفاق کننده های مخلص و ریا کار 77

مطلب هفتم: حیات دنیا 79

نتیجه گیری 80

پیشنهادات 82

منابع و مآخذ 82

مقدمه

الحمدلله رب العلمین والصلوة و السلام علی أشرف الأنبیاء و المرسلین محمد و علی آله و صحبه اجمعین ، اما بعد:

در این شکی نیست که الله متعال تمام زنده جان ها و نباتات را حیات مناسب شأن آنها و نشأت داده است که منشأ بزرگ و عمده آن آب به شمار می رود آب در بقای زنده جان ها و نباتات محور اصلی و عمده شمرده می شود به طور عموم به تأسی از قرآن کریم گفته می توانیم تمام چیز های که در کاینات وجود دارد بقای آن با آب گره خورده است می توان به اهمیت موضوع به شرح پرداخت:

اهمیت موضوع:

اهمیت موضوع مورد بحث را از نکات ذیل می توان دریافت نمود:

۱- از اینکه قرآن کریم کتاب حیاتی برای بشریت است و همه جوانب زندگی بشریت را جهت حفظ و بقای نسل آن در نظر گرفته است از جمله آنها آب است که قرآن کریم نیز به آن در جاهای مختلف تحت عناوین مختلف پرداخته است بر هر مسلمان لازم است که مواد اولیه زندگی خویش را از آدرس قرآن کریم باید پیدا کرد که به حفاظت نسل بشریت و آماده کردن وسائل و اسباب آن پرداخته است تا باشد که اهمیت وسائل و اسباب زندگی را از آدرس قرآن کریم به خود و نسل آینده خود بیاموزانیم تا نیاز به نظریات و اندیشه های دیگران در این موضوع باقی نماند و مسلمانان به جز از مکتب اسلام به دیگر مکاتب غیر اسلامی رجوع نکنند.

۲- اهمیت بحث از مهم بودن مسئله آب در زندگی انسان پیدا است چون اگر ما به تمام زوایای نقش آب در زندگی انسان نپردازیم شاید آب را مهم ندانسته و در این صورت به ضیاع آب و هدر بردن آن اقدام کرده و جوامع بشری با بحران کمبود آب مواجه شده و نهایتا زندگی شان با مشکلات مواجه خواهد شد و معلوم است که امروز تمام کشور های دنیا از آب و بحر های که به مرز کشورهای شان وصل است در پیشرفت اقتصاد تجارت های بزرگ جهانی تولید برق و سایر منافع آن بی خبر شده و سود هنگفتی را از دست خواهند داد وقتیکه به اهمیت و نقش آن در زندگی بشریت از دیدگاه قرآن بپردازیم به خصوص کشور های اسلامی از آن بهره بزرگی خواهند برد و آنرا هدر به مصرف نمی رسانند.

اسباب انتخاب موضوع

انتخاب موضوع به اساس اسباب ذیل می باشد :

1.مهم بودن موضوع: از اینکه آب در زندگی انسان مهم است وخیلی از مردم در خصوص آب و مهم بودن آن یا خو اصلا آگاهی نداشته و اگر آگاهی دارند توجه خاص به اهمیت آن ندارند به همین ملحوظ نزدم مهم بود .

جدید بودن موضوع: روی موضوع آن در قرآن کریم هیچ تحقیق به زبان ملی کشور صورت نگرفته است یک موضوع جدید و در عین حال قابل استفاده و ضروری است.

تحقیقی بودن موضوع: موضوع تحقیق آب یک موضوع تحقیقی بوده میتوان روی آن از حیث فقهی و تفسیری وسیاسی تحقیق نمود.

نیازمندی جامعه: جامعه کنونی ما نیز به چنین تحقیق ضرورت و نیاز دارند زیرا در شناخت اهمیت آن همه میدانند آب منشا حیات وضرورت جامعه است هم از لحاظ اقتصاد وهم از لحاظ صحی بخصوص در عصر کنونی که سطح آب پایین رفته و نیاز مبرم هر فرد در جامعه است.

طرح تحقیق

تحقیق کنونی که تحت عنوان اهمیت آب در قرآن کریم و تاثیر آن بر موجودات زنده مطرح شده است روی موضوعات عمده یی می چرخد که اهمیت آب را از منظر قرآن کریم نشان میدهد که در نخست آب از کدام اهمیت خاص برخوردار است؟ که در این قسمت به اهمیت شرعی آب نگاه مختصری می شود که در آن مواردی تذکر داده می شود که در آن از لحاظ شریعت اسلام به آب اهمیت خاص داده شده است همچنان از لحاظ سیاسی آب آب چقدر مهم است؟ و از کدام ناحیه میتواند آب در زندگی سیاسی حکومت و نظام های مستقر در زمین نقش مهمی داشته باشد؟ از لحاظ طبی اهمیت آب از منظر قرآن مورد بحث قرار می گیرد اینکه آب به این مقدار مهم است باید از ضیاع و فساد آن جلو گیری صورت گیرد، به حفاظت از آب و جلوگیری از فساد آن مباحث مطرح می شود و روش های جلوگیری از فساد نیز خطرات ناشی از فساد آب در ابعاد زندگی یکی از موارد بحث این تیزس است آب از خود مصادر و منابع تولید دارد که به منابع زمینی و آسمانی آن تذکر داده شده است مانند ابر ها چشمه ها جوی ها و دیگر منابع مهم در تولید آب.

انواع آب مطرح شده است که به آب های شیرین و تلخ تقسیم شده اند که هریکی در جای منافع بزرگ دارد از قبیل آبیاری و نوشیدن بیرون کردن دانه های قیمت بها که در رشد اقتصاد سهم بزرگ دارد بیرون کردن مواد نفتی که امروز برای اکثر کشورهای نفت خیز منابع اقتصادی بزرگ است.

آب نعمت بزرگ الهی است در دنیا و آخرت که این مطالب از منظر قرآن کریم مطرح شده است و از آیات قرآن کریم بر آن استشهاد صورت گرفته است که همه آنها آب را نعمت بزرگ معرفی کرده است که در این قسمت به آیاتی استناد می شود که در دنیا و آخرت آب وسیله نعمت بودن آنرا نشان میدهد مانند وسیله بودن آن برای حیات سرسبزی روانیدن فصل های و باغ های میوه همچنان وسیله عذاب شمرده می شود در دنیا مانند سیلاب های ویران گر که سبب هلاک خیلی از نسل های انسان شده است مانند غرق فرعون و لشکر وی و هلاک قوم نوح علیه السلام هلاک فصل ها وباغها.

همچنان آب در قرآن کریم در مثال های مختلف بکار برده شده است مانند تشبیه اعمال مسلمان مخلص و اعمال کفار و منافقین انفاق کننده ها قساوت قلبی حق وباطل عظمت بزرگی الله متعال.

هدف اصلی

هدف اصلی تحقیق: شناخت آب از منظر قرآن کریم می باشد.

اهداف فرعی این تحقیق قرار ذیل اند:

بررسی آیاتی که آب در آن یاد شده است .

اهمیت آب در بخش های مختلف زندگی زنده جان ها بخصوص انسان ها.

شناخت حکمت های که آب در قرآن کریم بکار رفته است.

شناخت انواع و اوصاف آب

سوالات تحقیق

سوال اصلی:

آب در قرآن کریم با کدام مواصفات انواع و موارد ذکر شده است؟

سوالات فرعی تحقیق :

آب از منظر قرآن کریم چه اهمیت دارد ؟

آب در قرآن کریم با کدام مواصفات و انواع ذکر شده است؟

آب در قرآن کریم برای کدام مثال ها و تشبیهات ذکر شده است ؟

در کدام موارد آب در قرآن کریم ذکر شده است؟

پیشینه تحقیق

پس از آنکه در زمینهٔ پیشینهٔ تحقیق مطالعات لازم انجام شد، تا اکنون هیچ موردی یافت نشد که در خصوص آب در قرآن کریم به زبان های ملی مورد بحث قرار گرفته شده باشد اگر شده است آن هم به زبان های دیگری انجام شده است مانند: الماء فی القرآن الکریم که رساله ماستری است توسط فتحی

عبدالعزیز العبادسیه یکی محصلین ماستری جامعه اسلامی غزه نوشته شده است روی آب در قرآن و اهمیت بحث کرده است اما تمام موارد که در جامعه ما در نظر است مورد بحث قرار نگرفته است.

البته به شکل جزئی در کتاب های مختلف روی مسئله آب بحث شده است ولی به شکل کتاب به یکی از زبان های ملی تدوین نشده است.

روش تحقیق

استفاده از روش های علمی برای درک و بررسی علمی موضوع تحقیق، از اساسی ترین و مهم ترین اسلوب هایی است که بدون آن محقق نمی تواند پروسهٔ تحقیق را تکمیل و موفقانه به نتایج تحقیق دست یابد. بنابراین، روشی که در این تحقیق استفاده گردیده است روش تحلیلی و توصیفی است

فصل اول اهمیت آب و محافظت آن از فساد

مقدمه:

آب در زندگی انسان و بقای نسل بشریت خیلیی از اهمیت والایی برخوردار است می باید راه های جلوگیری از فساد آن اتخاذ گردد درا ین فصل روی این دو مضوع که اهمیت آب و جلوگیری از فساد آن است، بحث

صورت می گیرد گه در مبحث اول اهمیت آب مطرح می شود که در مطلب اول آن اهمیت شرعی آب مورد بحث قرار می گیرد و مطلب دوم در خصوص اهمیت اقتصادی آب تخصیص شده است و در مطلب سوم: اهمیت سیاسی آب مطرح شده است که آب ازلحاظ سیاست و نظام های حکومتی چقدر رول مهم را ایفا می کند اهمیت طبی آب که از لحاظ طباطت آب در زندگی انسان چقدر مهم است؟ در مطلب چهارم مورد بحث قرار گرفته است و مطلب پنجم در خصوص اهمیت آب از لحاظ سیراب نمودن تمام چیزهای که روی زمین به آب نیاز دارند و از طریق آب سیراب می شوند.

و مطلب دیگر که جلوگیری آب از فساد است در مطلب دوم مطرح شده است که طی سه مطلب انجام شده است بحث اسباب فساد و آلودگی در مطلب اول مورد بحث قرار گرفته است مطلب دوم در خصوص خطرات ناشی از فساد آب وآلودگی آن و مطلب سوم در مورد روش های حفاظت آب از آلودگی مطرح شده است.

مبحث اول: اهمیت آب

مطلب اول: اهمیت شرعی آب

در این قسمت در خصوص اهمیت آب از لحاظ شرع بحث خواهم نمود که از چند جهت ذیل آب اهمیت شرعی دارد:

الف- از لحاظ پاکی: شارع در خصوص آب عنایت خاص را مبذول داشته به خصوص در مورد طهارت و پاکی آن که هم پاک است و هم پاک کننده از آن جمله آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که اهمیت آب را در صفت طهارت آن نشان میدهد الله متعال می فرماید:و انزلنا من السماء ماء ..... [1]ترجمه: و ما نازل کردیم از آسمان آب پاک و پاک کننده. در جای دیگری الله متعال آب را مایه حیات معرفی نموده می فرماید: و جعلنا من الماء کل شی حی... ترجمه: و ما گردانیدیم توسط آب هر چیز را زنده.

سید قطب در ذیل این آیه مبارکه می نویسد: حیات و زندگی روی زمین همه به علت آب است این اهمیت را عده یی مباشرتا درک می کنند و عده دیگری به واسطه چشمه ها و رگ های زیر زمین ولی کسانیکه

[1]- سوره فرقان آیه ۴۸

آنرا مباشرتا می گیرند به اهمیت آن درست می فهمند.[1] معنای طهور پاکی است و پاک کننده نیز در کتاب معجم مقاییس اللغه آمده است: طاء هاء وراء اصل واحد صحیح است دلالت بر پاکی و زوال چرک می کند و طهور به معنای طاهر فی نفسه و لغیره است.[2] به همین علت که برای آب طهور گفته شده است به وزن فعول به معنای پاک و پاک کننده است. وآب همین دو صفت را دارد.امام رازی رحمه الله در تفسیر خویش ذیل این آیه مبارکه فوق می نویسد: علمای فقه احکام آب را از این ایه مبارکه استباط نموده اند و در ادامه می نویسد: تعبیر الله متعال از آب به عنوان پاک کننده بر زندگی انسان سایه پاکی را می افگند الله متعال برای بنده زندگی پاک و پاکیزه را می طلبد چون با آب روی زمین را می شوید و با آن زمین مرده را زنده می سازد انسان ها و حیوانات را سیراب می سازد.[3]

ابن جزی در کتاب خویش می نویسد: کلمه طهور مبالغه در طاهر است و گفته شده طاهر به معنای مطهر است برای مردم در وضوء و غیر آن به همین منظور بعض فقهاء می گویند ماء طهور یعنی مطهرا و هر طهور مطهر است و هر طاهره مطهر نیست.[4]

ابن عربی در تفسیر خویش می نویسد: تمام امت در خصوص طهور می نویسد که طهور از لحاظ لغت و اصطلاح مختص به آب است بر دیگر چی اطلاق آن نمی شود.[5]

ب- از جهت وضوء:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا}[6]

ترجمه! ای اهل ایمان وقتیکه ایستادید به نماز (اراده نماز کردید) بشویید روهای تان و دستان تانرا تا آرنج ها و مسح کنید بر سران تان و بشویید پاهای تانرا تا شتالنگ ها و اگر در حالت جنابت بودید خوب

[1]- سید قطب فی ظلال القرآن ج ۶ ص ۱۷۱ طبع هفتم بیروت داراحیاء التراث العربی سال: ۱۳۹۱ه ق.
[2]- احمد بن فارس بن زکریا معجم مقاییس اللغهٔ تحقیق شهاب الدین ص ۶۲۶ طبع اول بیروت دارالفکر سال: ۱۴۱۵ ه ق.
[3]- فخرالدین رازی مفاتیح الغیب مشهور به تفسیر کبیر ج ۲۴ ص ۹۰ طبع اول ناشر دارالفکر بیروت سال: ۱۴۰۱ ه ق.
[4]- محمد بن احمد بن جزی کتاب التسهیل لعلوم التنزیل ج ۳ ص ۷۹- ۸۰ طبع چهارم دارالکتاب العربی بیروت سال: ۱۴۰۳ ه ق.
[5]- ابوبکر محمد عبدالله ابن عربی احکام القرآن طبع اول دارالجیل بیروت سال: ۱۴۰۸ ه ق.
[6]- سوره مائده آیه ۶

پاک کنید خویشتن را. در این آیه کریمه به صراحت از حکمت خلقت آب به طهارت و پاکی از نجاست و حدث سخن می گوید که آب وسیله پاکی بدن از نجاست و جنابت است.

همچنان در آیه دیگری نیز همین مطلب تذکر داده شده است همچنان طوریکه آب پاک کننده نجاست ظاهری است به عین شکل پاک کننده گناهان نیز می شود که حدث باطنی شمرده می شود در حدیثی از پیامبرصلی الله علیه وسلم آمده است می فرماید: اذا توضأ العبد المسلم او المومن فغسل وجهه خرج من وجهه کل خطیئة نظر الیها بعینیه مع الماء او مع آخر قطر الماء فإذا غسل یدیه خرج من یدیه کل خطیئة کان بطشتها یداه مع الماء الخ[1] ترجمه: حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده است وقتیکه یک مسلمان یا مومن وضوء بگیرد روی خود را شویداز روی آن تمام گناهانی که انجام داده است یا با چشمان خود دیده است همرای آب یا آخرین قطره یی که می ریزد بیرون می شود و قتیکه دستان خود را می شوید از دستان وی تمام گناهانی که انجام داده است و یا گرفته است همرای آب یا آخرین قطره یی که می ریزد بیرون می شود وقتیکه پاهای خود را می شوید تمام گناهانی که با پاها انجام داده یا به آن رفته است همرای آب یا آخرین قطره آب بیرون می شودتا اینکه پاک از گناهان بیرون می شود.این حدیث نیز نشانگر اهمیت آب است که از حدث و نجاست باطنی نیز انسان را پاک می کند.

۲- غسل

اهمیت آب از ناحیه دیگر در خصوص غسل از جنابت معلوم می شود که الله متعال می فرماید:وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا[2]

ترجمه: و نه در حالت جنابت نزدیک نماز شوید مگر اینکه شما مسافر هستید تا اینکه غسل نمایید و اگر شما مریض یا در سفر هستید یا یکی از شما به مکان پایین بیاید(بول غایط نماید) یا مس کردید زنان را(همبستر شدید) و آب را نیافتید قصد خاک پاک نمایید(تیمم کنید) و مسح کنید به روهای تان و دستان تان بی گمان الله متعال عفوه کننده و بخشاینده است. در این آیه مبارکه الله متعال نزدیک شدن به در حالت جنابت را منع کرده است گرچه موضوع وضوء همچنان حکم را دارد، از اینکه مطلب ما در این

[1] - رواه مسلم شماره حدیث ۲۴۴.
[2]- سوره نساء آیه ۴۳

مورد جنابت است، خاص مورد جنابت را یاد آورد شدیم که در حالت جنابت شخص دچار نجاست بوده که یگانه چیزی که پاک کننده وی است آب است که در صورت نبود آن باز تمیم برخاک پاک می باشد این اهمیت آب را در زندگی انسان نشان میدهد.

همچنان آیه دیگری نیز همین مطلب رانشان میدهد که الله متعال فرموده است: وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا}[1]

و اگر در حالت جنابت بودید خود را درست و کال پاک کنید.

قرآن کریم روش و طریقه پاک کردن را محدود نساخته است که با غسل است یا تیمم؟ چون الله متعال اراده تخفیف را برای بندگانش دارد نمی خواهد وسیله پاک کردن را محدود بسازد چون اگر تنها خاک می بود یا تنها آب می بود در این صورت بر بندگان مشقت می آمد که موجب عسر و سختی در دین می شد بلکه گاهی خاک را وسیله پاکی معرفی نموده در حالت سفر و مرض و گاهی آب را که حالت اقامت و صحت است[2]

ابن الجوزی روش های متعددی را برای طهارت در قرآن ذکر کرده است که از آن جلمه: غسل کردن است،و این طهارت از این آیه گرفته می شود: { فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ} ،[3]

ترجمه: وقتیکه پاک شوند از حیض به آنها نزدیک شوید از جایی که الله متعال دستور داده است مراد از این تطهیر پاک شدن از جنابت توسط غسل است. همچنان این مطلب از آیه سوره مائده نیز معلوم میشود الله متعال فرموده است: و ان کنتم جنبا فاطهرو4 و اگر شما در حالت جنابت بودید خود را درست پاک نمایید. در این دو آیه مبارکه طهارت با غسل هدف است که از جنابت پاک شود.[5]

حالاتی که غسل با آب برای طهارت واجب می شود نزد فقهای کرام حالت های ذیل است:

---

[1]- سوره مائده آیه ۶

[2] - التفسیر القرآنی للقرآن، عبدالکریم خطیب ج 6 ص 1044 ناشر: دارالفکر العربی القاهره بدون تاریخ.

[3] - سوره بقره آیه 222

[4] - مائده آیه 6

[5] - نزهة أعین النواظر فی الوجوه و النواظر ابن الجوزی ص 420- 422 ناشر: موسسة الرسالة بیروت لبنان سال: 1404ق طبع اول .

خروج منی از مرد و زن: این نخستین حالتی است که به اساس آن غسل بر مرد وزن واجب می شود که حالت خروج منی از مرد و زن است دلیل آن حدیث پیامبرصلی الله علیه وسلم است که می فرماید: "إنما الماء من الماء)[1] آب در به سبب آب است یعنی غسل در مقابل خروج منی است و این مطلق است میان مرد وزن تفاوتی ندارد. همچنان عوامل دیگری دارد که نیاز به ذکر آن نیست به شکل نمونه یک مورد آن ذکر گردید.

3- طهارت لباس ها: سومین چیزی که اهمیت شرعی آب را نشان میدهد پاکردن لباس توسط آب است که برای عبادت مهم که نماز است، شرط مهم شمرده شده است الله متعال می فرماید: {وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ}[2]

ترجمه: ولباس های خویش را پاکیزه کن. ابن کثیر این ایه را به شکل ذیل ترجمه نموده است: " أی إغسلها بالماء"[3] یعنی طهارت را با شستن لباس تان باآب پاک کنید. از همین آیه مبارکه امام شافعی رح استدلال نموده است به وجوب شستن لباس نماز گذار از نجاست.[4]

4- استسقاء

چهارمین چیزی که اهمیت شرعی آب را نشان میدهد اینکه نماز طلب باران که یک عبادت است برای نزول آب در شریعت مشروع گردیده است و استستقاء عبارت اس از: طلب سیراب نمودن از الله متعال با باران در وقت ضرورت مردم به یک شکل و صفت خاص و سبب آن کمبود باران ها قحطی که مردم و حیوانات و فصل ها به آب ضرورت پیدا کنند.[5]

منع شدن باران یک بلاء و امتحان بزرگ الله متعال است که به آن عذاب گفته شده است وسبب بند شدن آن گناهان انسان ها است که ذریعه آن آب باران از آسمان بسته می شود از این جهت برای باز شدن آب باران و جاری شدن نهر ها و جوی ها طلب مغفرت از گناهان گفته شده است. فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا (10) يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا (11) وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا[6]

---

[1] - صحيح مسلم ج 1 ص 269 كتاب الحيض باب إنما الماء من الماء رقم الحديث 343.
[2] - سوره مزمل آیه
[3] - تفسير ابن كثير ج 4 ص 442.
[4] - البحر المحيط ج 8 ص 362- 363
[5] - الفقه الاسلامی و ادلته ، زحیلی، ج 2 ص 412.
[6] - سوره نوح آیه 10-11-12.

ترجمه: پس به آنها گفتم از الله متعال طلب آمرزش گناهان کنید بی گمان او بخشاینده است می فرستد بر شما آب را از آسمان پیاپی و شما را کمک می کند با اموال و فرزندان ومقرر می گرداند برای شما باغها را و مقرر می گرداند برای شما نهرها را.

از مجموع فوق اهمیت شرعی آب را نشان میدهد که قبولیت عمل نماز و همچنان بقای انسان که همچنان یک امر شرعی بوده تعلق به آب دارد پس آب در زندگی انسان از لحاظ شرع از اهمیت والایی برخوردار است.

مطلب دوم: اههمیت اقتصادی آب

اهمیت آب را در زندگی انسان می توان از لحاظ تاثیر آن در بعد اقتصادی نیز مطرح نمود به این معنی که آب در زندگی انسان از ناحیه اقتصاد خیلی تاثیر داشته که اقتصاد اکثر کشورهای جهان را می توان با منابع آبی آنها رقم زد که در این مطلب می توان در بخش های تاثیر اقتصادی آب به شکل ذیل اشاره نمود:

1- تجارة

اگر ما به تاریخ بشریت برگردیم ابتدایی حالت انسان ها همین بود که توسط مفکوره خویش توانست وسیله ابتدایی در انتقال از طریق آب را توسط دو چوبی که باهم بسته می شوند روی آب انداخته و می بیند که در میان آب فرو نمی رود از این جا پیدا کرد که امکان دارد از مسیر آب وسیله انتقال اجناس و اموال را ساخت به همین منظور ساخت ابتدایی کشتی آغاز شد و در ادامه انکشاف یافت.[1]

گرچه قرآن کریم صراحتا از تجارت از مسیر بحر یا آب تذکر نداده است ولی برخی از آنچه که به منفعت انسان در میان آب ها می چرخد می توان آنرا به منفعت تجارتی شمرده که از آن جمله آیات ذیل است:

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ}[2]

---

[1] - اقتصاديات النقل البحرى، كارلين أولوين، ترجمه مختار السويقى ص 13 مطابع مدكور القاهره طبع دوم سال: 1979، جغرافية البحار و المحيطات، مهدى على ص 348

[2] - سوره بقره آیه 164

ترجمه: بی گمان در خلقت آسمان ها وزمین اختلاف شب وروز و کشتی یی که در میان بحر برای منفعت مرفم جاری است و آنچه که الله متعال نازل کرده از آسمان از آب پس زنده کرد توسط آن زمین را و پراگنده ساخت در آن هر جنبنده را و گردانیدن باد ها و ابر های مسخر میان آسمان و زمین نشانه های قدرت الله متعال است برای قومی که عقلمند اند.

{وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاخِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ}[1]

ترجمه: او تعالی ذاتی است که بحر را مسخر سخات تا از گوشت تازه آن بخورید و ازآن بیرون کنید زیوراتی را که آنرا می پوشید و میبینی کشتی را که شکاف کننده در آن در حرکت اند و تا بجویید فضل الله متعال را و به امید اینکه شکر گذار شوید.حرکت کشتی ها بر روی بحر جهت انتقال اموال تجاری و اجناس مورد نیاز انسانها را از یک کشور به کشور دیگر به هدف تجارت و سرمایه داری رول کشتی ها را در تجارت نشان میدهد.

در آیه مبارکه دیگری نیز الله متعال اهمیت آب در رونق گیری تجارت را نشان میدهد می فرماید{ رَبُّكُمُ الَّذِي يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا}[2]

ترجمه: پروردگار شما کسی است که کشتی را برای شما در دریا به جریان می اندازد تا از فضل او (روزی و نعمت) بجویید.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ}[3]

ترجمه: و از نشانه های او این است که بادها را مژده رسان می فرستدتا بخشی از رحمت خویش را به شما بچشاند و کشتی ها به فرمان او روان گردند و از فضل او (روزی) بجویید تا باشد سپاسگذار گردید.

[1] - سوره نحل آیه 14
[2] - سوره اسراء آیه 66
[3] - سوره روم آیه 46

از مجموع این آیات معلوم می شود که الله متعال از تجارت در بحر و در میان آب گاهی تعبیر به فضل کرده است (لتبتغو من فضله) و فضل الله متعال به مال معنا شده است. چنانکه در سوره جمعه نیز مراد از فضل مال و تجازت گرفته شده است و در آیه 198سوره بقره نیز فضل به تجارت معنا شده است[1]

در سوره بقره که از بادها در کنار کشتی ها یاد شده است نشانگر مناسبت عمیق میان کشتی ها و باد ها است که مسیر راه آنهارا تغییر میدهد و به هر طرفی که اراده داشته باشند سوق می شوند و این اکثریت در مسائل تجاری بکار برده می شود در سوره نحل الله متعال بیشتر در مورد منفعت های که در بحر برای انسان است توضیح داده است که می فرماید: وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاخِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ}[2]

ترجمه:او ذاتی است که بحر را مسخر نمود تا از آن گوشت تازه بخورید و بیرون کنید از آن زیورات تا بپوشید آنرا و میبنی کشتی را پاره کننده در بحر و تا بجویید فضل الله متعال را و تا شکر گذار شوید. تسخیر بحر تا از آن استفاده صورت گیرد و از منافع آن بهره برده شود مانند گوشت های تازه ماهی دریایی و بیرون ساختن زیورات که در بحر اند ودانه های قیمت بها در آن و همچنان گشت وگام کشتی های که دریاب را شق کرده بمنظور پیدا کردن فضل الله متعال در حرکت اند این آیه در حقیقت تفسیر و توضیح آیه سوره بقره را کرده است که در خصوص منفعت بحر برای انسان ها حرف می زد.

این اهمیت آب از لحاظ اقتصادی در قرآن است که الله متعال برای ما وانمود ساخت که مشابه آن آیات بیشتری وجود دارد که اهمیت اقتصادی آب را نشان میدهد امروز که ما دنیا را می بینیم اکثریت کشورهای که از لحاظ اقتصاد دست بالا دارند کشور های اند که از طریق بحر به کشورهای دیگر راه دارند که از آن طریق به تجارت های بین المللی راه پیدا کرده و از آن طریق به انتقال اموال تجاری و خرید آن منافع هنگفتی بدست می آورند چون انتقال اموال و اجناس از طریق بحر توسط کشتی ها ارزان تر و اقتصادی تر تمام می شود از این که از طریق زمن خشک یا هوا انتقال داده شوند.

2- زراعت

از جمله اهمیت های اقتصادی آب در زندگی انسان بیشتر شدن و رونق دار شدن کشاورزی در روی زمین است که غله جات و حبوبات و سبزیجات میوه ها و سردرختی های دنیا همه تعلق به آب دارد یگانه منبع

[1] - تفسیر طبری، ج 14 ص 89 التحریر و التنویر ابن عشور ج 14 ص 120 زمحشری جارالله تفسیر زمحشری ج 2 ص 598
[2] - سوره نحل آیه 14

تغذیه زراعت و مالداری و سربزی زمین آب است و زراعت یگانه چیزی است که منبع حیاتی تمام انسان ها است حتی گفته می شود اگر زراعت نمی بود حیات بشری در روی زمین به شکلی که مطلوب است متصور نبود.[1] و این در حالی است که الله متعال دهاقین را در قرآن کریم یاد آور شده است: الله متعال می فرماید: أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ} [2]

ترجمه: آیا دیده اید آنچه راکه زرع می کنید آیا شما آنرا زرع می کنید یا ما آنرا زرع کننده ایم به موضوع زراعت اشاره کرده است که هدف از آن بیان نشانه های قدرت الله متعال است.

هدف از آیه مبارکه دعوت زارعین است به نگاه انداختن به آنچه که بذر می کنند که آنها تنها وظیفه خویش را انجام دادند بعد از آن کار الله متعال است که چگونه آنرا در زیر خاک می پروراند و سبز می شود.[3]

در خصوص تاثیر آب در زراعت و رشد آن در قرآن کریم آیات بسیاری وجود دارد که همین مطلب را واضع نشان میدهد که زراعت روی زمین و کشاورزی آن تعلق به آب دارد اگر آب وجود داشت زراعت ومالداری وجود ندارد که از جمله می توان آیات ذیل را بر شمرد:

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ (24) أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (25) ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا (26) فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (27) وَعِنَبًا وَقَضْبًا (28) وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا (29) وَحَدَائِقَ غُلْبًا (30) وَفَاكِهَةً وَأَبًّا (31) مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ}[4]

ترجمه: پس انسان باید به خوراک خویش بنگرد ما آب فراوان فرو ریختیم سپس زمین را به شکافتن پرداختیم و در آن دانه رویانیدیم و انگور و سبزی و زیتون و خورماو باغ های انبوه و میوه ها و علفزار تا برای شما و چهارپایان تان بهره یی باشد.

در این آیات مبارکه صراحتا اثر و تاثیر آب را در کشاورزی نشان میدهد و به نگاه کردن به سوی آن دستوری میدهد و رویانیدن دانه های زمین را به علت آب نشان میدهد و بیرون شدن انواع میوه های روی زمین که تعدادی از آنها را بر می شمارد به اثر آبی است که بر روی زمین فرود می ایدو در نهایت

---

[1] - عالم النباتات فی القرآن الکریم، عبدالمنعم فهم الهادی و دنیا محسن برکه ص 13 طبع: دارالفکر العربی قاهره طبع اول. سال: 1990م.

[2] - سوره واقعه ایه 63-64

[3] - فی ظلال القرآن تفسیر سید قطب ج 7 ص 707 نظم الدرر بقاعی ج 7 ص 417.

[4] - سوره عبس / ۲۴- ۳۲

همه آنهارا بهره بزرگی برای انسان ها و چهارپایان معرفی میکند که انسان ها از میوه ها و حبوبات سبزیجات آن استفاده کرده و حیوانات از برگ و علف آن.[1]

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ}[2]

ترجمه: آیا ندانسته اند که ما آب را به سوی زمین خشک می فرستیم توسط آن بیرون می کینم فصل را که از آن چهارپایان و خود آنها می خورند. این آیه مبارکه مستقم آب را وسیله حیات زمین معرفی کرد که محصول روی زمین که مایه رزق انسان و حیوان است توسط آب به میان می آید.

زمین خشکیده و غیر قابل زراعت با نزول آب و باران از آسمان قابلیت زرع را پیدا کرده و از حالت خشکیدگی بیرون شده و به خود ترو تازگی اختیار می کند و در آن انواع میوه ها و حبوبات و سبزیجات می روید که عامل اصلی همه آب است گرچه موثر حقیقی در آن الله متعال است ولی در ظاهر رشد و نمای آنرا با آب گره داده است.

قرآن کریم علاوه بر آیات فوق به اهمیت آب در تاثیر آن در زراعت به داستان حضرت یوسف علیه السلام نیز اشاره کرده است که قحطی در آن زمان به سبب بند شدن باران ها دامنگیر تمام کشور ها بخصوص مصر گردید که برای نجات مردم الله متعال حضرت یوسف علیه السلام را گماشت و خواب بادشاه را درست تعبیر نمود که در نتیجه می توان گفت آب در باز سازی کشور از طریق محصولات و غله جات در قسمت رونق بخشیدن اقتصاد نقش حیاتی داشته و تمام جوامع انسانی می توان توسط منابع آبی اقتصاد خوبی داشته باشند.

در آیه مبارکه دیگری نیز الله متعال نشأت درختان و سبز شدن باغهای روی زمین را به آب نستب داده است می فرماید: {أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَإِلَهٌ مَعَ اللَّهِ ...[3]}

ترجمه: یا آن ذاتی که آفرید آسمان ها وزمین را و نازل نمود از آسمان آب پس رویانید توسط آن باغهای دارای تازگی را نیست مناسب شما را که درخت آنرا برویانید آیا هست خدایی همرای الله متعال؟ در این

[1] - تفسیر ابن کثیر ج 4 ص 473.
[2] - سوره السجده آیه 27
[3] - سوره نمل آیه 60

آیه مبارکه الله متعال آب ونزول باران را سبب سبزشدن درختان و باغهایی که موجب بالارفتن اقتصاد مردم می شود، می داند معلوم می شود که باران وسیله بزرگی برای ترقی اقتصاد یک کشور است.

درختان در روزی زمین یکی از منابع سرشار اقتصاد شمرده می شوند زیرا درختان عمر دراز داشته حتی بعض از درختان عمر شان به هزاران سال میرسد و در حدود بیست هزار نوع درخت در روی زمین وجود دارد همچنان از لحاظ ارتفاع آن در روی زمین عده یی از درختان به سی منزل میرسد .[1]

درختان سر شار از منابع طبیعی اند که در قسمت تغذیه انسانها و حیوانات و حشرات و غیر موجودات زنده جان اهمیت بسزایی دارد همچنان در قسمت وسائل جنگی مانند تیرها دستان شمشیر تبر وسائل دروازه و کلکین خانه ها وسائل زیبایی خانه های مسکونی رهایشی و تجارتی وسائل نقلیه نقش مهم را ایفا می کند که وسیله بالارفتن اقتصاد یک کشور می شود به همین منظور است که کشور های دنیا همیشه در تلاش اند تا درختهای تحت قلم روی خویش را نگهداری نموده و قوانین منع قطع آنرا تصویب می نمایند.[2]

به همین منظور الله متعال در قرآن کریم به درختی اشاره می کند که وسیله روشن شدن آتش برای انسان ها است می فرماید:الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ}[3]

ترجمه: آن ذاتی که برای شما از درخت سبز آتش را خلق کرد که توسط آن شما آتش را روشن می کنید.

3- ثروت ماهی

از جمله منابع اقتصادی که از ناحیه آب و بحر به دست انسان های می آید شکار ماهی هایی است که در اعمال بحر بوده و تجارت های بزرگی میان کشور های انجام می شود شکار ماهی ها برای امار معیشت روزمره از میان آبهای شیرین و نمکی در کنار سواحل توسط کشور های همجوار بحرها گاهی به 23 تن می رسد اما شکارهای تجارتی ماهی به اعتبار مواسم مختلف تفاوت می کند که در عده یی از موسم ها ماهی از یک جا به جای دیگری انتقال یافته و در محل جمع آوری آن شکارهای بزرگی انجام می شود که به هزاران تن شکار روزمره آت توسط کشتی های بزرگ شکاری و قایق های خورد و بزرگ انجام می شود که برای یک کشور ثروت و سرمایه بزرگی را تامین نموده و موجب پیشرفت اقتصاد یک کشور می گردد.[4]

---

[1] - عالم النباتات فی القرآن الکریم ص 105.

[2] - منبع قبلی ص 106

[3] - سوره یس آیه 80

[4] - الجغراقیا الاقتصادیة ، محمد محمود الدیبب ص 344 مکتبة الأنجلوا المصریة قاهره طبع اول سال: 1981.

انواع مختلف ماهی در میان بحر در سطوح مختلف آن زندگی دارند، عده یی که در سطح بالاتر بحر زندگی کرده و عده دیگری از آن در اعماق بحر بوده که شکار آن سنگین تر از سطح بحر می باشد.[1] الله متعال در مورد ماهی در قران آنرا نعمت معرفی نموده است که به گوشت تازه آنرا یاد نموده است می فرماید:وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا[2]

ترجمه: و الله متعال آن ذاتی است که بحر را مسخر کرده تا بخورید از آن گوشت تازه و بیرون کنید از آن زیروات که آنرا می پوشید مراد از لحم طری (گوشت تازه) ماهی های بحر است.

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ}[3]

ترجمه: و دو دریا یکسان نیستند اینی یکی شیرین و گوارا است که نوشیدنش آسان است و آن دیگری شور و تلخ است و از هر دو گوشت تازه می خورید و زیوری بیرون می آورید که آنرا می پوشید و کشتی ها را در آن شکافنده آب می بینی تا از فضل خدا بهره مند شوید و باشد که سپاس گذار شوید.

در این آیه مبارکه نیز الله متعال از جمله نعمت های بزرگ خویش ماهی را معرفی نموده است که شما از آن استفاده کرده و گوشت تازه آنرا میل میکنید این ثروت است که انسان آنرا بدست می آورد.

گذشته از این عده یی از کشورها به ساخت وساز بحرهای کوچک مصنوع پرداخته و در آن ماهی زرع می شود که به ماهی های فارمی شهرت دارند فارم های بزرگی ایجاد کرده و در آن ماهی زرع و نگهداری می شوند که امروز کشورهای جهان را به سرمایه دارترین کشورها تبدیل نموده است و این روش یکی از مصادر بزرگی اقتصادی برای دنیا تلقی می شود و کشورهای صنعت یافته آنرا پخته و به شکل تن ماهی تجارت بزرگ را انجام میدهند.[4]

4- ثروت مالداری

از جمله مزایا و فوائد آب در محیط انسانی در بخش اقتصاد، اثر مستقیم آن بر روند مالداری است که این دومین منبع اقتصادی پس از منبع ماهی گیری است که از جمله وظایف رئیسی تامین غذا و پوشاک برای

[1] - منبع قبلی.
[2] - سوره نحل آیه 14
[3] - سوره فاطر آیه 12
[4] - الجغرافيا الإقتصادية ، محمد رياض كوثر عبدالروسل ص 110

انسان ها شمرده می شود به همین منظور انسان ها یک عده حیوانات را انس داده و آنها را اهلی ساخته اند و به تربیت و قوام آنها می پردازند.

در پرورش و نموی ثروت مالداری آب حیثیت حیاتی دارد چون بدون آب زنده گی حیوانات و قوام آنها ممکن نیست در این مورد الله متعال می فرماید: {وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ}[1]

ترجمه: و الله متعال هر جنبنده را از آب خلق کرده است این واضح نشان میدهد که حیات تمام زنده جان ها به آب تعلق دارد هم حیات آن و هم بقای آن چون حیوانات و زنده جان ها ذریعه آب به دنیا می آیند که سپرم است و هم بقای آن بدون آب ممکن نیست.

{وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا}[2]

ترجمه: و الله متعال ذاتی است که بادها را قبل از رحمت خویش (باران) می فرستد و ما نازل کرده ایم از آسمان آب پاک تا زنده بسازیم توسط آن شهر مرده (خشک) را و از آن سیراب بسازیم هر آنچه را که ما خلق کرده ایم از چهارپایان و انسان های زیاد را.

در دو آیه مبارکه فوق اثر گذاری آب را در زنده شدن و زنده ماندن حیوانات نشان میدهد که آیه نخست در خصوص زنده شدن آب توسط آب معلوم می شود که خلقت هر جنبنده و حیوان را به آب نسبت داده است و در آیه دوم بقای آن معلوم می شود که توسط آب حیوانات بقا پیدا می کنند.

قرآن کریم در بسیاری از آیات قرآن کریم از عالم حیوانات سخن می گوید و از خلقت آنها بحث می کند که این بحث از خلقت حیوانات شروع الی منافع و فوائد حیوانت ختم می شود کوچکترین حیوان مانند پشه و بزرگترین آن مثل فیل در قرآن یاد شده است که برای مهم در ضمن تمام فلسفه های که در ذکر حیوانات است بحث ثروت و سرمایه داری از بعد حیوانات می باشد که در این قسمت به آیاتی می پردازیم که در خصوص اثر گذاری حیوانات در قسمت ثروت، مالداری و سرمایه گذاری دارد.

{وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَفَرْشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ}[3]

---

[1] - سوره نور آیه 45

[2] - سوره فرقان آیه 48-49

[3] - سوره انعام آیه 142

ترجمه: و از چهارپایان (برای شما) باربر (بزرگ جثه) و نیزفرش (کوچک اندام و گستردنی برا استفاده) آفرید از آنچه خدا روزی شما کرده است بخورید و از گام های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست.

در این آیه مبارکه الله متعال در خصوص فواید حیوانات یاد می کند که برای انسان ها فواید حمل و نقل دارد آنچه که وسیله انتقال اموال تجارت و اجناس توسط قافله ها از یک سوی به سوی دیگر می شود. تمام اموال تجاری و اجناس مورد نیاز انسانها قبلا یا به وسیله کشتی ها انجام می شد ویا هم توسط حیوانات باربری که قافله ها تشکیل می شد و در بخش بالارفتن ثروت و سرمایه داری نقش مهمی را ایفا می کرد.

همچنان استفاده از اجزای بدن حیوانات مانند گوشت، پشم، پوست و سایر اجزای مورد نیاز، نیز در ثروت و سرمایه دار شدن و بالا رفتن سطح اقتصاد نقش مهمی دارد که در این خصوص الله متعال می فرماید: {وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ}[1]

ترجمه: و شتران قربانی را برای شما از شعائر خدا قرار دادیم در آنها برای شما خیر و منفعت است پس نام خدا را بر انها ببرید در حالیکه (برای قربانی) به صف استاده اند (یکپا بسته سه پای آن رها) و هنگامی که پهلوی شان بر زمین افتاد(جان داد) از گوشتشان بخورید و به قانع (فقیر آبرومند) و معتر(سائل نیازمند) بخورانید این گونه آنها را برای شما رام ساختیم باشد که سپاسگذار شوید.

در این ایه مبارکه نیز الله متعال فواید حیوانات را تذکر می دهد.

همچنان در خصوص استفاده از حیوانات الله متعال در سوره انعام هشت نوع حیواناتی را معرفی مکند که از گوشت آن استفاده اعظمی صورت می گیرد که در آن گاو گوسفند شتر بز اعم از نر وماده می باشد.

تمام منافعیکه انسانها از حیوانات بهره برداری می کنند را الله متعال در سوره نحل جمع کرده می فرماید:

[1] - سوره حج آیه 36

{وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (5) وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ (6) وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَى بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بَالِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ (7) وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ}[1]

ترجمه: و چهارپایان را آفرید برای شما در آنها پوشش(از پشم کرک و مو) و سودهایی است و از آنها می خورید و برای شما در آنها زیبایی است هنگامی که شامگاهان آنرا بازمی گردانید و صبحگاهان به چرا می برید و بار های سنگین شما را به سرزمینی می برند که جز با سختی جان فرسا نمی توانستید به آن برسید همانا پروردگار تان به راستی رئووف و مهربان است و اسب ها و شتر ها و خران را آفرید تا بر آنها سوار شوید و (مایه) زینت شما باشند و چیزها یی می آفریند که شما نمی دانید.

در آیات فوق الله متعال تک تک منافعی را یاد آور می شود که انسانها از حیوانات استفاده نموده و آن منافع را بدست می آورند.مانند: بدست آوردن وسائل گرمایش مانند لباس پوستین و غیره که این همه از پوست و پشم حیوان ساخته می شوند. خوراک و استفاده از گوشت حیوان که همه آنها در قرآن مفصل ذکر شده است.

بدست آوردن وسائل زینتی که همان پشم و موهای حیوانات است که از آن ساخته می شود.حمل و نقل اموال و اجناس تجاری از یک محل به محل دیگری یا به سطح کشورها رکوب و سواری بر اسپ و مرکب و قاطر که در ذیل آن شتران نیز استفاده می شوند این همه منافعی عمده یی است که از حیوانات برده می شود و همه آنها در بالارفتن و ترقی اقتصاد یک کشور نقش بزرگی را ایفا می کنند. بازارهای دنیا همه از اجناسی مملو است که اجزای حیوانات اهلی و غیر اهلی می باشند.

از این همه معلوم می شود که فوائد حیوانات تنها منحصر در گوشت و استفاده از آن نیست بلکه از آن گذشته در موارد ارتزاقی دنیا سهم بزرگ دارد مثلا نساجی های که کالا می سازد یا لبنیاتی که در سطح دنیا به فروش می رسد این همه از اثر حیواناتی است که از آن استفاده می شود بازارهای بزرگ دنیا امروز همه مصروف خرید وفروش چیزهای اند که حیوانات منبع اصلی آن شمرده می شود.[2]

[1] - سوره نحل آیه 5-8

[2] - الجغرافيا الإقتصادية ، محمد رياش و كوثر عبدالرسول ص 177- 180

علاوه بر آن از بحر زیوراتی که استخراج می شود و از آن در پوشش استفاده می شود طوریکه الله متعال می فرماید: دانه های گران بهای که بیرون می شود در سوره رحمن الله متعال به آن تصریح نموده است می فرماید: {يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ}[1]

ترجمه: بیرون می شود از آنها هردو بحر مروارید و مرجان این دو دانه های قیمتی از عمق بحر بیرون می شوند و یاهم توسط مردم بیرون کشیده می شوند همه در اقتصاد نقش بزرگ دارد.

[2]مطلب سوم: اهمیت سیاسی آب

آب از لحاظ سیاسی و موقعیت های جنگی در اهمیت بخشیدن کشورهای دنیا سهم فعال خود را ایفا می کند چون از لحاظ موقعیت جیوپلیتیک موقعیت بحر ها در کنار کشورهای دنیا از لحاظ سیاست و ترقی آن نسبت به کشور های که در کنار بحر وصل نیستند اثر بیشتر دارد.

آب از جمله ضروریات جنگی شمرده می شود در جاهای که کنار بحر قرار دارند همچنان در نبود آب و یاکمبود آن ضعف در عسکر و قطعات نظامی دیده می شود بطور نمونه اگر به جنگ بدر را یاد آور شویم در آن نزول آب و باران یکی از اسباب نصرت الهی شمرده شده است الله متعال می فرماید:{ إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ }[3]

ترجمه: آنگاه خداوند متعال بر شما خواب آورد که امن بود از طرف الله متعال و بر شما نازل نمود از آسمان آب تا پاک کند توسط آن شمارا و دور کند از شما پلیتی شیطان را و محکم کند میان قلب های شما و ثابت بسازد به آن گام های شمار.

در این آیه برای آب از چند جهت اهمیت ذکر شده است:

نخست: رفع تشنگی که در حالت جنگ برای لشکریان پیش می آید چون در مورد غزوه بدر آمده است که صحابه کرام به دستور پیامبر صلی الله علیه وسلم زمین را در ریگزار حفر نمودند که مانند حوض شد و در آن آب بارانی که نازل شده بود جمع شد و از آن نوشیدن و با خود آب نیز حمل کردند همچنان

---

[1] - سوره رحمن آیه 22

[2]

[3] - سوره انفال آیه 11.

از آن آب از جنابت غسل کردند و این طهارت و نوشیدن را الله متعال به تمکین تعبیر نمود و این تمکین را از جمله نعمت های بزرگ خویش نامید. [1]

در فی ظلال القرآن آمده است که در نبود آب در دل ترس و وسوسه داخلی از طرف شیطان داخل می شود که در نهایت در لشکر حرج و مرج و شکست داخل می شود با نزول آب این وسوسه های و اضطراب قبلی دور می شود در مکان های ریگزار جای قدم استحکام پیدا می کند.[2] **در مجموع نزول آب**

در غزوه بدر یک لشکر از لشکر های الهی شمرده می شد که چهار وظایف عمده یی داشت که عبارت اند از: نوشیدن وپاکی به میان آوردن، دورساختن پلیتی شیطان پایدار نمودن لشکر و تثبیت قدم های مسلمانان.[3]

انتخاب نزدیکی آب برای مرکزیت لشکر توسط پیامبر صلی الله علیه وسلم را عنوان انتخاب مهم ترین مراکز عسکری نامیده شده است اینرا مبارکفوری چنین عنوان داده است که" الجيش الإسلامى يسبق إلى أهم المراكز العسكرية"[4]

آب گاهی مانع برای پیش قدمی دشمن می شود و گاهی راهی برای عقب رفتن از دشمن و تاکتیکی جنگی می شود و گاهی وسیله برای گذرانیدن وسائل جنگی اینها همه از طول تاریخ بشریت می توان معلوم کرد در زمان موسی علیه السلام آب در ابتدا مانع برای عبور گردید و در نهایت صفحه مبارزه رقم خورد و وسیله هلاک دشمن گردید.

آب در خیلی موارد جنگ های تاریخی که میان نظام های کفری واقع شده است و یا میان لشکریان مسلمانان با کفار واقع شده است نقش مهمی را در فتح و شکست ایفا کرده است خیلی موارد طوری بوده که آب را در مسیر راه لشکر دشمن وسیله نجات تلقی می کردند و یاهم از طریق آن دشمن را غافلگیر می ساختند نبرد های مهمی که مسلمانان صدر اسلام با فارس داشتند دریاهای که در مسیر راه مسلمانان قرار داشت و فارس آنها را یک مانع بزرگ می پنداشتند در فکر مصون بودن به سر می بردند ولی عزم راسخ صحابه کرام به رهبری سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه سبب شد که دشمن را غافلگیر نماید و تمام دار و ندار دشمن را نابود نماید.

---

[1] - تفسیر کبیر فخر الدین رازی ج 15 ص 136-137.
[2] - فی ظلال القرآن سید قطب ج 3 ص 118.
[3] - المنهج التربیوی للسیرة النبویة، منیر محمد الغضبان ح 75 مکتبه المنار اردن طبع اول سال : 1991م.
[4] - الرحیق المختوم، صفی الرحمن المبارک فوری ص 302 دارإحیاء التراث.

مطلب چهارم: اهمیت طبی آب

آب در مجتمع انسانی از لحاظ طب و بکاری گیری آن در میان ادویه معالجه اهمیت بسزایی دارد در ساختن ادویه به این جهت مهم است که خاصیت آب ذوب کننده است که در میان ادویه های طبی به منظور محلول و مخلوط ساختن ادویه بکار برده می شود خیلی از ادویه های که ساخته می شود در حد پودر خالص بوده ولی برای تزریق آن به آب مقطر نیاز دارد که مخلوط شود و بعدا در وجود مریض تزریق شود مانند پنسلین و از آن قبیل.

آب یک عنصر حیاتی در وجود انسان است که در وجود انسان سهم حیاتی خود را ایفا میکند کمبود آب در وجود انسان باعث درد های متنوع و سردرد شدید می شود از لحاظ طبابت هفتاد در صد وجود انسان را آب تشکیل میدهد به عبارت دیگری پنجاه کیلو گرام از وزن هر انسان متوسط و در میانه را آب تشکیل میدهد.[1] این اهمیت بزرگ آب را در حیات انسان نشان میدهد که نقش حیاتی داشته و در صورت نبود آن جسم خشک شده حرارت بدن میرود بالا و منجر به نابودی انسان می شود به همین علت است که انسان بدون غذا تا یک مدت کوتاه میتواند طاقت بیاورد و نابود نشود ولی بدون آب نمی تواند زنده بماند لذا آب در وجود انسان وظایف مهم را ایفا میکند.

در خیلی موارد از آب به شکل معالجه استفاده می شود در بعض موارد از سردی آن مانند نگهداشتن ادویه د جای سرد و خنک در بعض موارد با آب گرم معالجه صورت می گیرد مانند حمام و آب های گرم مصنوعی یا به شکل نوشیدن آن به نیت معالجه.[2]

قرآن کریم نیز به معالجه از طریق آب تذکر داده است داستان حضرت ایوب علیه السلام را اگر یاد آور شویم به همین مطلب تصریح دارد

{وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّيَ مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ}[3]

ترجمه: بیاد آور بنده ما ایوب را آنگاه ندا کرد به پروردگار خویش بی گمان شیطان به من تکلیف و عذاب رسانیده است بزن با پاهایت این است جای شستن آب سرد و نوشیدنی.

---

[1] - الماء فی الفکر الإسلامی و الأدب العربی، محمد بن عبدالعزیز بن عبدالله ج 3 ص 83-84 وزارت اوقاف و شئون اسلامی کشر مغربی طبع اول سال: 1996.

[2] - العلاج بالماء وطرق التداوی به ، أیمن الحسینی ص 6 مکتبة ابن سینا القاهره طبع اول سال: 1992.

[3] - سوره ص آیه 41-42.

در این آیه مبارکه دو چیز ذکر شده است "نصب و عذاب" نصب عبارت است از غم شدید به سبب زوال خیرات و آمدن مشکلات و عذاب در شدید در بدن شان[1] قرطبی می نویسد: نصب عبارت از تکلیف در بدن است و عذاب مصیبت مالی گرچه آنرا قرطبی بعید گفته است.[2] همچنان در مورد تفاوت نصب و عذاب نظریات دیگری نیز از سوی مفسران ارائه شده است که در مجموع در بر میگیرد به تکلیف بدنی و مالی و فکر درونی انسان به هر تقدیر مطلب گرفته می شود که وسیله رهایی هرکدام آنها را الله متعال به حضرت ایوب علیه السلام دستور به زدن پاها به روی زمین داد و دستور داد که از آن هم بنوشید و هم غسل کند تا از مشکلات رهایی پیدا کند.

قرآن کریم دو نوع علاج را با آب معرفی نمود که نوشیدن و غسل کردن است معالجه با غسل در آب از لحاظ طب نیز به اثبات رسیده است چون حمام با آب از دو نوع خالی نسیت یا حمام با آب گرم می باشد و یا با آب سرد مناسب برای معالجه حضرت ایوب علیه السلام غسل با آب سرد بود ولی اطباء معالجه با آب گرم را برای امراض ذیل توصیه می کنند:

معالجه برای فشار بالا که توسط حمام با آب گرم درجه فشار پایین می شود، زیادت دوران خون سطحی برای پوست، زیادت مقدار خون برای عضلات، بدست آوردن استرخاء عضلات، زیادت حجم خون، ازبین بردن سمومات در بدن، زیادت نسبت اکسیجن بدن، زیادت سرعت تنفس و ... اینها مواردی اند که برای معالجه آن از آب گرم استفاده می شود. همچنان استعمال آب سرد در غسل برای کاهش تب ، نشاط جسمی، رفع مشکلات جهاز هضمی،تخفیف روماتیزم و غیره موارد استفاده می شود.[3]

معالجه تب شدید و کاهش دادن آن توسط آب چیزی است که در احادیث پیامبرصلی الله علیه وسلم نیز چنین معالجه آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم تب را با آب سرد معالجه می کرد. در این خصوص حدیث پیامبرصلی الله علیه وسلم واضح آمده است می فرماید(الحمی من فیح جهنم فأطفئوها بالماء)[4] تب از اثر حرارت جهنم است آنرا با آب خاموش نمایید.

---

[1] - تفسیر رازی ج 26 ص 212

[2] - تفسیر قرطبی ج 15 ص 208، ابن جریر طبری، تفسیر طبری ج 23 ص 166.

[3] - اسرار العلاج بالماء الساخن والاسترخاء، محمد کمال مصطفی، ص 907 ناشر: دارالطلائع القاهرة سال: 1998م

[4] - صحیح البخاری ج 5 ص 2162 کتاب الطب ، باب الحمی من فیح جهنم رقم 5391

روایت دیگری از فاطمه بنت منذر است که نزد حضرت اسماء بنت ابی بکر صدیق رضی الله عنهما زنی آورده شد که تب داشت آب را در گریبان وی ریخت سپس فرمود پیامبرصلی الله علیه وسلم ما را دستور می دادند که آنرا با آب سرد کنیم.[1]

این همه روایات و آیات قرآن کریم نشان دهنده این مطلب است که آب در بخش صحت انسان از لحاظ طبابت نقش مهمی دارد هم در خوردن آن و هم در ساختن ادویه همچنان آب وسیله دوری و پاک شدن از نجاست و مکروب های است که منجر به مرض می شود وقتیکه تمام بدن انسان توسط آب شسته شود و تمیز گردد در این صورت هیچ مرضی به وجود انسان تحت عنوان مکروب سرایت نمی کند و بدن از امراض وقایه می شود.

مطلب پنجم: سیراب سازی آب

مهم ترین ازهمه اهمیت های آب در زندگی انسان سیراب ساختن انسان ها است که می نوشد و تشنگی آن رفع می شود که در صورت عدم موجودیت آب به هلاکت از تشنگی مواجه می شود. اهمیت این بخش نسبت به بخش های قبلی که در آن نیز به اهمیت آب توضیح داده شد، در این است که در مطالب قبلی آب در حد ضروری یا در حد حاجت و یا در حد کمال بودن آن ذکر شد ولی در این مطلب اهمیت آب به شکل ویژه مطرح می شود که از همه مهمتر و شرط برای زندگی انسان ها و تمام زنده جان است.

آب از لحاظ نوشیدن اهمیت بزرگی دارد که منجر به ادامه حیات انسان ها و زنده جان ها می شود تجربه علمی و طبی امروز به این نتیجه رسیده است که نوشیدن آب برای بدن فوائد مهمی دارد که از من جمله آن موارد ذیل است:

- **تنظیف و پاکی بدن از تمام امراض و مکروب های که ناشی به مرض می شوند.**
- **وظایف کلیه ها را تقویت می بخشد.**
- **حرارت بدن را تنظیم می کند درجه حرارت بدن را کاهش داده و به شکل نورمال بر می گرداند با وجود حرارت موسمی.**
- **تمام خلاهای بدن را جبران می کند.**
- **تقویت جهاز هضمی و اعضای اخراج کننده فضلات بدن.**
- **پاک نمودن بدن از سمومات.**

[1] - صحیح البخاری ج 5 ص 2162 کتاب الطب ، باب الحمی من فیح جهنم رقم 5392.

- **کاهش التهاب مفاصل بدن**
- **جلب نرمی بدن توسط بدست آوردن جسم رطوبت لازمه را.** [1]

به همین منظور که آب در زندگی انسان مایه حیاتی شمرده می شود الله متعال آنرا در میان مردم مشاع گذاشت به این معنی که در میان مردم آب تقسیم نشده است تمام باشندگان یک محیط در آب روان یک منطقه و ماحول باهم شریک اند.در حدیث پیامبرصلی الله علیه وسلم آمده است می فرماید:المسلمون شرکاء فی ثلاث فی الکلإ و المآء و النار.[2] **مسلمانان در سه چیز باهم مشترک اند در گیاه، آب و آتش این شراکت به اساس اهم بودن آن است در میان مسلمانان اگر باهم مشترک نمی بودند و هریکی سهم خود را قبض نموده و دیگران را در آب شریک نمی ساخت مردم به هلاکت مواجه می شدند به خصوص در میان مردمان مظلوم و بی دفاع که مردم زور دار و قدرتمند از ایشان تمام منابع آبی را قبضه کرده و آب نوشیدن را پیدا نخواهند کرد.**

همچنان منع کردن آب را از یک جاندار تشنه دین مبین اسلام از جمله موجبات عذاب سخت و درد دهنده شمرده است حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم است می فرماید: ثَلاثَةٌ لا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ، ولا يَنْظُرُ إليهِم ولا يُزَكِّيهِمْ ولَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ :رَجُلٌ علَى فَضْلِ ماءٍ بطَرِيقٍ، يَمْنَعُ منه ابْنَ السَّبِيلِ...[3] **سه تن اند که الله متعال با ایشان سخن نمی گوید و نگاه نمی کند به سوی ایشان و نه آنها را از عذاب پاک میکند و برای آنها عذاب درد دهنده است مردیکه بر آب زاید از ضرورت خود نشسته از آن آب را از مسافرین منع می کند. این وعید بخاطری گفته شده است که آب در زندگی انسان مهم است اگر کسی مانع آب از مردم شود منجر به هلاکت خواهد شد.**

مبحث دوم: محافظت آب از فساد

مطلب اول: اسباب فساد آب

آب در طبیعت خود پاک و نظیف نازل می شود هیچ نوع آلودگی با خود نمی داشته باشد ولی با اتصال و تماس چیزهای نا پاک منجر به فساد می شود و فساد عبارت از ضد صلاح است و اتلاف آنچه است که نافع برای مردم است و شی اگر از مصلحت خویش بیرون شود و در آب فساد عبارت از تلوث و آلودگی

---

[1] - العلاج بالماء وطرق التداوی به ، أیمن الحسینی ص 7-8..

[2] - سنن ابی داود ج 3 ص 278 باب المسلمون شرکآء فی ثلاثة رقم 3477 ، مسند احمد بن حنبل ج 5 ص 384و ابن ماجه نیز این روایت را نقل کرده است ج 2 ص 826 کتاب الرهون ، باب المسلمون شرکآء فی ثلاثة رقم 2473و صححه الألبانی فی صحیح الجامع رقم 6713.

[3] - صحیح البخاری، کتاب المساقاة باب إثم من منع ابن السبیل من الماء ج 3 ص 145-148 و مسلم کتاب الإیمان ، باب غلظ تحریم إسبال الإزار و المن و العطیة رقم 108 ج 1 ص 103.

آب می باشد و تلوث و آلودگی آب عبارت است از: تغییر در طبیعیت و خواص آب به شکلی که صالح برای زنده جان ها نباشد که زنده جان های در بقا و زندگی خود به آن اعتماد می کنند.[1]

این تلوث وآلودگی آب به سه نوع تقسیم می شود، نخست: تلوث طبیعی عبارت است از تغییر خصوصیت های طبیعی آب که عبارت از رنگ، بو و ذائقه آن است به شکلی تغییر خورد که قابل استفاده نباشد، دوم: تلوث کیمیائی این نوع تلوث عبارت است از: مخلوط شدن مواد کیمیایی زهری در آب که در نتیجه آن وجود و بدن انسان مسموم می شود طوریکه در ترکیب مرمی ها و وسایل جنگی از استفاده می شود و سوم تلوث بکتری و بیولوجی است که این نوع تلوث در اثر به وجود آمدن میکروب ها صورت می گیرد که نوشیدن آن سبب امراض معده می شود.[2]

فساد و آلودگی آب اسباب متعدد دارد که در این مطلب به اسباب فساد آب می پردازیم:

اسباب آلودگی آب های نوشیدنی:

اسباب منزلی که در داخل خانه و کاشانه های انسان ها با آب چیزهای خلط می شود یا آنرا آلوده می سازد ویاهم آب را از حقیقیت خود بیرون کرده وصفت پاکی آنرا از میان برمی دارد.

آب های سطحی که در روی زمین قرار دارند از قبیل جوهای آب رودخانه ها و حوض های کوچک نیز عوامل مختلفی برای آلوده گی دارد:

آلوده شده با هوای غبار آلود که خاک و مواد مضر را بر آب می ریزد که در نتیجه آب آلوده با خاک و مکروب می شود. انداختن فضلات و گندگی های روی زمین که در آب های ظلال و پاک ریخته می شوند. آلوده شدن آب ها توسط کشتی ها بحری و انتقال اموال و اجناس تجاری به کشور های دیگر. آلوده گی توسط فضلات کارخانه های و فابریکه های تولیدی که در وسط بحر به تولید مصروف اند و ضایعات آن در آب میریزد و سبب آلوده گی آب می شوند. ایجاد حمام های عمومی و خاص قضای حاجت و شستن لباس ها و ظروف و شست وشوی چیزهای دیگر که مفضی به آلودگی آب شوند.[3]

[1] -تلوث المياه العذبة ، احمد عبدالوهاب عبدالجواد ص 106 ناشر: سلسلة دائرة المعارف البيئية ناشر: الدارالعربية للنشر و التوزيعه طبع اول سال: 1995.

[2] - تلوث المياه و تحديات الوجود، محمد يسرى د عبس ص 16 ناشر: سلسلة التنمية والبيئة الاسكندرية طبع دوم سال: 1996.

[3] - تلوث البيئة و تحديات الوجود، محمد يسرى د عبس ص 5-6.

مصادر مصنوعی از قبیل صناعت ها و کار خانه های تجاری و فابریکه های تولیدی زراعت ها و آبیاری های زراعت مصادر بشری و حیوانی که توسط حیوانات آلوده می شوند مصرف های صحی این همه اسبابی اند که توسط آن آب آشامیدنی آلوده می شوند اما آب های نمکی که منبع غذا و استحمام و منافع دیگری است اینها نیز در معرض آلودگی اند که به اساس عوامل ذیل آلوده می شوند:

آلوده شدن آب های نمکی توسط افراد مسکونی کنار بحر که از آنها بقایای فضله جات کارخانه ها آب مصرفی منازل و غیره عوامل آلوده می شوند، آلوده گی آب توسط کشتی های تجاری[1]

مطلب دوم: اضرار و خطرات فساد آب

در این شکی نیست که آب خالص و پاک با آب آلوده و نا پاک متفاوت است آب پاک و صحی مفید برای بدن انسان بوده و اما آب ناپاک خیلی مضر و به صحت انسان خطر آفرین است در این مطلب روی ضررهای آلودگی آب بحث خواهیم کرد.

از این که تلوث آب ضرر بزرگ است که به جامعه انسانی انجام می شود، از نظر دین مبین اسلام هرنوع ضرر برای انسانها منع کرده شده است در حدیث پیامبرصلی الله علیه وسلم آمده است: لاضرر ولا ضرار[2] در اسلام نه ضرر است برای خویشتن و نه ضرر برای دیگران است و این یک قاعده بزرگ است در شریعت اسلامی و شریعت اسلام برای این قاعده مقاصد عامه را وضع کرده است که عبارت اند از مقاصد خمسه که حفاظت دین، نفس، عقل ، نسل و مال است.[3] این مقاصد پنجگانه اسلام توسط آلوده شدن آب متاثر می شوند چون با فساد وآلودگی آب مال به فساد مواجه می شود چون خود آب در حقیقت مال است و فساد آن فساد مال شمرده می شود همچنان با آلودگی آب نفس انسان متضرر می شود منجر به مرض های گوناگون شده که نفس انسان در معرض خطر قرار می گیرد، نسل انسانیت نیز متضرر می شود با فاسد نمودن آب موجب مرض می شود و این مرض به نسل بشریت سرایت پیدا می کند

همچنان توسط فساد آب بدن انسان ضعیف شده که در عبادت وی نیز اثر منفی آمده و از انجام عبادت عاجزمیشود با در نظرداشت نکات فوق می توان گفت فساد آب و آلودگی آن به مصلحت های بشریت آسیب بزرگی وارد می کند.

---

[1] - مشکلات البیئة المعاصرة ، محمد عبدالرحمن الشرنوبی ص 229 ناشر: مکتبة الانجلوة المصریة قاهره طبع اول، سال: 1193م.

[2] - سنن ابن ماجه ج 2 ص 784 به روایت عباده بن صامت رض رقم الحدیث 2340 احمد بن حنبل نیز با روایت عباده ن صامت روایت کرده است ج 5 ص 326 و از عبدالله بن عباس رض نیز روایت شده است شیخ البانی این حدیث را صحیح گفته است صحیح الجامع رقم 7517.

[3] -اصول الفقه الاسلامی، وهبة الزحیلی، ص 1020 ناشر دارالفکر دمشق طبع اول تاریخ 1986م

الف- اضرار اجتماعی آلودگی آب

نخستین آلودگی آب در این است که وقتی آب آلوده شود به اصطلاح گنده می شود و از آن بوی بدی در محیط انسانیت منتشر می شود طوریکه این مشکل در جاهای آشکار می شود که مراکز صنعت و تجارت خانه ها وجود داشته می باشد و از اثر آن مواد کیمیاوی و میکروب ها منتشر می شود که هفته ها در آن محیط باقی می ماند و باعث ایجاد امراض مختلف می شود. انتشار چنین مرض در محیط و ماحول بشریت منجر ایجاد فاجعه بزرگی می شود که این یک نوع ضرر عام در میان مردم است.[1]

ب- خسارت ها در ملکیت های مردم:

آلودگی آب در محیط و منطقه موجب بد بو شدن آب و محیط و ماحول می شود باعث می شود ماحول از مسکونی بودن و بود و باش بیرون می شود چون مردم در آنجا سکونت نمی کنند و این امر باعث می شود که قیمت و بهای مناطق و خانه های رهایشی قیمت خود را از دست دهد و این خسارت بزرگی است که منجر به ارزان شدن اماکن و ملکیت های مردم می شود و اگر در جای سیاست باشد طوریکه دیده می شود اماکن سیاحتی بهای بزرگی داشته می باشند ولی منطقه از اثر بد بودن شد و آلوده شدن آب از سیاست منصرف شوند، قیمت منطقه کاهش پیدا می کند.[2]

ج- تلف شدن نباتات و حیوانات

همچنان از جمله مفاسد و زیان های که بر موجودات روی زمین در صورت فساد آب میرسد اینکه نباتات از بین میرود چون آب فاسد نمی تواند به نباتات رشد دهد و همچنان حیوانات در صورت فاسد شدن آب تلف می شوند گاهی آب مسموم شده و زهریات سمی با آب مخلوط شده و سر انجام حیوان را نیز تلف می کند.

مطلب سوم: روش های حفاظت از آب

از اینکه آب از جمله چیزهای حیاتی و اساسی در زندگی انسان می باشد و اهمیت آن در بحث قبلی واضح شد باید درست نگهداری شود و از آن حفاظت کامل صورت گیرد نباید هدر رود و بی مورد استفاده شود و استفاده بی مورد آنرا شریعت اسراف نامیده است و اسراف حرام است و همچنان باید درست ازآن

[1] - الماء فی القرآن الکریم دراسة موضوعیة، رساله دکتورا، فتحی عبدالعزیز العبادسیة تحت اشراف د/ مروان محمد ابوراس ص 78 سال: 1422ه ق.
[2] - منبع قبلی ص 79

نگهداری شود و اسلام روش های مختلف نگهداری آب را مطرح کرده است. نخست الله متعال اضافه خرچی در آب را منع کرده است گفته می توانیم که دین مبین اسلام به حفاظت آب به چند روش سفارش نموده است.

۱- دوری از اسراف

در خصوص حکم اسراف باید گفت از نظر فقهای کرام مطلقا بر اسراف حکم کرده نمی شود مگر اینکه متعلق آن باید شناخته شود که در کدام چیز اسراف می شود آیا امر خیر است؟ یا امر معصیت و گناه است؟ در صورت تشخیص متعلق اسراف باز حکم می شود به همین علت عده یی از فقهای کرام حکم کرده اند که مصرف نمودن مال زیاد در امور خیر، طاعت و احسان، اسراف شمرده نشده و ممنوع نیست. اما صرف مال در امور معصیت و گناه و لو اندکی باشد حکم آن حرمت و عدم جواز است.

از امام مجاهد رح نقل شده است اگر به اندازه کوه ابوقبیس طلا برای یک شخص باشد و آنرا در طاعت الله متعال مصرف نماید اسراف کننده نیست و اگر یک درهم را درمعصیت و گناه مصرف نماید اسراف کننده است و عمل آن اسراف شمرده می شود.[1]

این بحث در حقیقت تقابل این دو مقوله برخاسته است که مقوله مشهور است " لاسرف فی الخیر" و مقوله دیگری است که " لاخیر فی السرف" البته این مقول حاتم طایی است.[2]این دو مقوله بین هم در تناقض است. عده یی دیگری به این نظریه اند که اسراف طوریکه در معصیت است در کار خیر نیز می شود مثل اینکه تمام مال خود را خیرات کند استدلال آنها این آیه مبارکه است که الله متعال می فرماید:{وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلاَ تُسْرِفُوا}[3]

ترجمه: و بدهید حق آنرا در وقت گرفتن محصول آن و اسراف نکنید. معنای آیه مبارکه اینکه تمام اموال خویش را مصرف نکنید که در خانه بازنشسته و فقیر بمانید.

1- الجامع لأحکام القرآن قرطبی ج 7 ص 110.
2- شرح الروض المربع منصور بن یونس البهوتی ج 2 ص 207 ،المکتبه العلمیه بیروت لبنان سال: ۱۴۳۰ه تفسیر کبیر فخرالدین رازی ج 20 ص 193.
3- سوره انعام آیه 141.

{ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ }[1]

ترجمه: و بخورید و بنوشید و اسراف نکنید بی گمان الله متعال اسراف کنندگان را دوست ندارد عدم دوستی الله متعال نشانگر خسران اخروی برای یک انسان است پس اسراف کننده مرتکب نهی شده است که موجب مجازات اخروی برای انسان می شود.

همچنان در این آیه مبارکه استفاده از آب را دستور داده است و زیاده روی در آن را منع کرده این هم یک روش نگهداری و حفاظت از آب است که بی مورد استعمال نشود.

۲- دور اداختن نجاست از آب

در اسلام ادرار کردن در آب و بول و غایط را در میان آن انداختن منع شده است در این مورد حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم است که می فرماید:(لا يَبُولَنَّ اَحَدُكُم فِی المَاءِ الدَّائِم الذِی لايَجرِی ثُمَّ يَغتَسِلُ فِيهِ)[2] ترجمه: پیشاب نکند یکی از شما در آب ایستاده آنکه جاری نیست بعد که در آن خودش غسل می کند.

در این حدیث روش حفاظ آب با دور نگهداشتن آب است از نجاست چون وقتیکه ادرار منع شد انداختن نجاست هم منع است پس نباید آب پاک و صاف به سبب نجاست ملوث شده و فاسد گردد.

۳- پوشانیدن ظرف ها:

از جمله روش های حفاظ آب از آلودگی اینکه باید ظرفی که در آن آب نگهداری می شود و یا ذخیره های که امروز وجود دارد و در آن آب ذخیره می شود و یا مخزن های بزرگی که در آن آب به منظور توزیع ذخیره و جمع آوری می شود باید درست حفاظت شوند که حفاظت آنها نگهداشتن پوش آن است که برهنه نباشد در حدیث پیامبرصلی الله علیه وسلم آمده است به روایت ابوهریره رضی الله عنه می فرماید: {أَمَرَنَا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وسلم بِتَغطِيَةِ الإِنَاءِ و إِيكَاءِ السقآء و إِكفَاء الإِنَاءِ)[3] پیامبر صلی الله علیه وسلم به ما دستور داده به پوشانیدن ظرف ها و چپ گردانیدن ظرف ها و بند کردن آنها اگر در میان ظرف آب باشد پوشانیده شود تا امراض به آب سرایت نکنند و موجب انتقال مرض های مختلف نشود و

---

[1]- سوره انعام آیه ۳۱

[2] - صحیح البخاری مع الفتح کتاب الوضوء الباب الاول ج ۱ ص ۲۳۲.

[3] - صحیح مسلم کتاب الأشربة باب الامر بتغطية الإناء رقم ۱۰۱۲ ج ۳ ص ۱۵۹۴

اگر آب وجود نداشت آنرا سرنگون کردن که در میان ظرف چیزی حلول نکند و در حال موجودیت شی مضر در ظرف آب انداخته شود و سبب آلودگی آب شود.

۴- عدم اختلاط آب مصرفی

از جمله انواع روش های حفاظت آب اینکه کدام آبی که مصرف می شود نباید در جایی انداخته و ریخته شود که باقی آب ها را ملوث سازد و سبب گندگی شود این خیلی مهم است که در اکثر موارد مردم به اینک نکته تجوه ندارد و آبی را که مصرف می کنند مجرای خروج آن به طرف آب پاک و صحی می باشد و هیچ فکری نمی کنند که آب ملوث می شود.

فصل دوم : مصادر و اقسام آب در قرآن کریم

مقدمه :

در این فصل روی مطالبی بحث می شود که در قسمت مصادر آب می باشد و منابع تولید آب را مورد بحث قرار میدهد که در این خصوص از جاهای تولید آب بحث می کند مانند باران ابرها وچشمه های روی زمین که از آن آب بیرون می شود و مردم از آن استفاده می کنند ز یرا منابع آب یکی از مهمترین چیز های است که در تولید آب نقش مهم دارد و در عین حال از آنها در زندگی انسان استفاده می شود

به همین جهت گفته می توانیم که از یک سو انسانها از آن بهره گیری نموده و از طرف دیگریمی توان به اهمیت آن دست پیدا کرد در این فصل د و مبحث عمده مطرح می شود که از آنها می توان به حیث مصادر نام برد.

مطالب این فصل به دو مبحث عمده تقسیم شده است مبحث نخست در مورد مصادری است که در قرآن کریم معرفی شده است مانند بیرون شدن آب از زمین مانند نهر ها چشمه ها نهرها چاه های عمیق و کوچک نزول آب از اسمان مانند باران و ابرهای بزرگ و کوچک کوه های جاله و وباران با انواع آن مانند وابل وطل و مبحث دوم درمورد انواع آب است که به انواع شیرین و ترش و تلخ تقسیم شده است و این آبها در قرآن کریم به نام های العذب معین مبارک طهور نامیده است که این همه یک مطلب اول بحث شده است نوع دوم آب نمکی و ترش و تلخ است که در مطلب دوم این مبحث مورد بحث قرار گرفته است

آب برای خود منابع و مصادری دارد که از آنجا تولید و استخراج می شود که این منابع آب هم در روی زمین وجود دارد و هم از هوا توسط ابر ها به میان می آید که قرآن کریم به تمام این منابع اشاره و یا تصریح نموده است همچنان آب انواع مختلفی دارد که از لحاظ طعم و ذایقه و رنگ های متفاوت به انواع مختلف تقسیم شده است که قرآن کریم به این انواع نیز اشاره نموده است که در این فصل روی همین دو مورد بحث خواهیم داشت که در دو مبحث ذیل مورد بحث قرار گرفته است.

مبحث اول:مصادر آب در قرآن

مطلب اول: بیرون شدن آب از زمین

الف- چشمه ها

از جمله مصادر و منابع آب چشمه های است که در بین زمین وجود دارد و به رگ های زمین شهرت یافته است قرآن کریم از چشمه های زمین به دو نوع تعبیر نموده است عین و ینبوع تفاوت عین و ینبوع از لحاظ لغوی به این شکل است ابن فارس می نویسد در تعریف عین والعین و الیاء و النون اصل واحد صحیح یدل علی عضو یبصر و ینظر[1]

1 - معجم مقایسس اللغة،ابن فارس ص ۷۲۵-۷۲۶

اصل این حروف برای چشم است که توسط آن دیده و نظر کرده می شود باز می نویسد و من الباب العین الجاریة النابعة من عیون الماء[1] استعمال لفظ عین در چشمه جاری می شود که از روی زمین آب از آن فوران می کنداما کلمه ینبوع از نبع گرفته شده است و نبع فوران آب را گویند و از آنجایی که آب می جوشد و بیرون می شود ینبوع گفته می شود که جمع آن ینابیع است و منابع الماء نیز به آن گفته می شود.[2]

از هردو تعریف معلوم می شود که ینبوع و عین هردو کلمه مترادف اند از آنجایی که آب بیرون می شود از قسمت زمین آنرا عین و ینبوع گفته می شود قرآن کریم کلمه عین را چندین مرتبه بکار برده است از جمله:

الف – استعمال عین

{وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا}[3]

ترجمه: آنگاه طلب نمود از موسی (علیه السلام) قومش گفتیم با همسایت سنگ را بزن پس جاری شد از آن دوازده چشمه.

همچنا کلمه عین در مورد چشمه های استفاده شده است که در بهشت برایی بهشتیان آمده است و می نوشند الله متعال می فرماید: {عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا **}[4] ترجمه: جشمه یی است که از آن بندگان الله می نوشند آنها را به میل و اختیار خود جاری میکنند.**

{وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ}[5]

ترجمه: و ما گردانیدیم در زمین باغ های خرما و انگور و در آن جاری کردیم بخشی از چشمه ها را.کلمه من در این آیه من العیون برای تبعیض است که بعضی از چشمه های انفجار می کنند و اگرالله متعال

---

1 - لسان العرب ابن منظور افریقی ج ۱۳ ص ۳۰۴

2 - مقاییس اللغة ابن فارس ص ۱۰۰۸

[3] - سوره بقره / ۶۰

[4] - سوره انسان / ۶

[5] - سوره یس/ ۳۴

بخواهد همه آنها انفجار نموده که در نتیجه طوفان نوح علیه السلام خواهد رخ داد. در این ایه مبارکه نیز چشمه یک مصدر و منبع بیرون شدن آب معرفی شده است.

{وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا}[1]

ترجمه: و ما وحی کردیم به موسی آنگاه که قومش طلب آب نمود که با همسایت سنگ را بزن از آن بیرون می شود دوازده چشمه در این ایه نیز به چشمه های روی زمین که منابع تولید آب اند تصریح نموده است در سوره اعراف کلمه انبجست آمده است که میان این و انفجار تفاوت وجود دارد چون انبجاس حبس آب است و بیرون شدن با انفجار و انفجار جاری شدن آب است و میان هردو تفاوت در این است که انبجاس از اثر حبس آب است و بیرون شدن آن ب ضیقی و انفجار بیرون شدن آب است از طریق راه واسع وفراخ[2]{فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ}[3]

ترجمه: در آن دو بهشت دو چشمه جاری است در آیه دیگری از سوره رحمن نیز ذکر شده با صفت نضخ می فرماید:{فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ}[4]

ترجمه: در آن دو بهشت دو چشمه جوش کننده وجود دارد.در این دو آیه مبارکه چشمه با دو صفت جریان و نضخ ذکر شده است که هردو جا چشمه منبع برای آب شمرده شده است با این تفاوت که در یکی آن جریان است و در دوم آن نضخ که تفاوت هردو کلمه واضح است.

آیه ۵۰ و ۶۶ سوره رحمن که قبلا ذکر شد نیز به چشمه های زمین از حیث منبع آب یاد نموده است با دو صفت جریان و نضخ جاری بودن آب خو متعارف است میان مردم که در روی زمین آب روان باشد آنرا آب جاری میگوند اما نضخ عبارت است از شدت فوران آب که از پایین با بالا می رود[5]

از جمله صفات این دو بهشت این است که در آنها دو چشمه یی قرار دارد که آب جاری دارند و فوران آن از جهت بالا و پایین است.

---

[1] - سوره اعراف / ۱۶۰
[2] - المفردات راغب اصفهانی ص ۳۴.
[3] - سوره رحمن/۵۰
[4] - سوره رحمن / ۶۶
[5] - لسان العرب ج ۳ ص ۶۲

{ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا }[1]

ترجمه: چشمه یی است که از آن بندگان الله می نوشند و آنرا جاری مکنند با جاری ساختن. در اینجا کلمه عین آمده است که منبع بودن آنرا برای آب نشان میدهد.

{كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ }[2]

ترجمه: زیادی از باغها و چشمه های را بجا گذاشتند. اینجا نیز کلمه عین بکار برده شده است البته صیغه جمع آن که مفرد اش عین می آید.{ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ }[3]

ترجمه: و ما قرار دادیم در آن باغ های از انگور و خرما و جاری ساختیم در آن چشمه ها را.{ حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا }[4]

ترجمه: تا اینکه برسید به جای غروب آفتاب آنرا دیافت که غروب می کرد در چشمه خت و لای دار نزد آنها قومی را یافت. در این آیه مبارکه نیز کلمه عین بکار برده شده است با توصیف دیگری که گل و لای دار می باشد.

در مورد حمئة مفسران نظریات مختلفی دارند:

عده یی از لغت دانان می نویسند: الحمئة به چاه یی گفته می شود که آب آن با گل لای خلط بوده باشد.[5] در تمام این آیات منبع بیرون شدن آب چشمه قلم داد شده است که گاهی با صفت جریان و گاهی با صفت تفجیر و گاهی بدون صفت ذکر شده است.

---

[1] - سوره انسان آیه ۶

[2] - سوره دخان ایه ۲۵

[3] - سوره یس آیه ۳۴.

[4] - سوره الکهف آیه ۸۶.

[5] - الافصاح می فقه اللغة حسین موسوی و عبدالفتاح الصعیدی ج ۲ ص ۹۹۲

گاهی چشمه را با صفت دیگری ذکر کرده است که منبع آب نبوده بلکه منبع سرب است ایه ۱۲ سوره سبا گاهی چشمه را به شکل معجزه ذکر نموده مانند ۱۶۰ سوره اعراف گاهی به شکل تحدی و مبارزه طلبی ذکر نموده آیه ۹۰ سوره اسراء

ب- کلمه ینبوع و ینابیع

{ وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا}[1]

ترجمه و گفتند (مشرکین عرب) هر گز ایمان نخواهیم آورد برای تو تا آنکه جاری کنی برای ما چشمه های از زمین.{أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ}[2]

ترجمه: ایا ندیدی الله متعال نازل می کند آب را از آسمان و آنرا در چشمه های جاری می کند که در روی زمین اند. در این دو آیه مبارکه از چشمه به کلمه ینبوع و جمع آن ینابیع بکار برده شده است که از ماده نبع گرفته شده به معنای فوران و یک مصدر و منبع برای تولید آب از زمین اند.

خلاصه مطلب این دو آیه مبارکه این است که الله متعال باران را نازل می فرماید آب باران در شق های زمین فرو رفته و در عمل و بدن زمین جذب می شوند و توسط رگ های کوچک و بزرگ زمین جذب شده و به مرور زمان از زمین به شکل چشمه های خورد و بزرگ بیرون می شوند.[3]

ب- نهر ها

نهرهای روی زمین آب آن سرچشمه از چشمه های می گیرد که از عمق زمین و سنگ های کوه ها بیرون می شوند ولی در مجموع قرآن کریم نهرها را نیز از جمله مصادر و منابع آب شمرده است و به اهداف متعدد در خصوص نهرها در جاهای مختلف قرآن کریم ارشاد فرموده است که به آن ذیلا می پردازیم:

۱- دلالت بر قدرت الله متعال

[1] - سوره اسراء آیه ۹۰
[2] - سوره زمر / ۲۱
[3] - ایسر التفاسیر الجزائری ج ۴ ص ۴۷۸

الله متعال نهرهای آب را به عنوان منبع و مصدر آب یاد کرده است ولی در ضمن بیان قدرت الله متعال قدرت نمایی خویش را در خلقت و پیدایش نهرها بیان کرده می فرماید:{وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا }[1]

ترجمه: او ذاتی است که گسترانید زمین را و بر آن کوه ها محکم و نهرها را گذاشت قرار دادن نهرها در روی زمین از جمله نشانه های قدرت الله متعال است و هدف هم بیان عظمت و بزرگی الله متعال است از این جهت در آخر آیه مبارکه آمده که در این همه نشانه های قدرت الله متعال است برای قومی که می اندیشند.

وجه استدلال از آیه مبارکه در این است که الله متعال از جمله نشان های قدرت خویش کوه های روی زمین را یاد کرده است و میان کوه ها و انهار رابطه قوی وجود دارد چون آب های جوفی زمین وقتی که زیر کوه های زمین جمع می شوند و در نهایت با قوت کامل از رگ های زمین بیرون شده و از آن دریاها و نهرهای خورد و بزرگ تشکیل می شود.[2]

۲- امتنان نعمت الله متعال

گاهی نهرهای زمین به شکل امتنان و اظهار نیکی و به یاد آودن احسانات الله متعال در قرآن کریم ذکر می شوند مانند آیه ذیل:{ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ}[3]

ترجمه: الله متعال ذاتی است که خلق کرد آسمان ها وزمین را و نازل فرمود از آسمان آب بیرون کرد توسط آن میوه های که روزی است برای شما و مسخر گردانید برای شما کشتی را تا جاری شود در بحر به دستور الله متعال و مسخر گردانید برای شما نهرها را. این آیه مبارکه در سلسله آیاتی نازل شده که

[1] - سوره رعد/ ۳
[2] - تفسیر الرازی ج ۱۹ ص ۳-۴
[3] - سوره ابراهیم / ۳۲

نعمت های الله متعال را یاد آوری میکند بدین وجه ذکر نهر ها در این ایه از جمله اظهار امتنان و نعمت الله متعال شمرده می شود.

امام رازی در شرح این آیه مبارکه می نویسد: از اینکه آب بحر قابل استفاده نیست و در زراعت و مالداری از آن استفاده نمی شود نعمت خود را به جاری نمودن نهرها یاد آور شد تا آب از بحر ها به مواضع زراعت توسط نهرها انتقال پیدا کند وهمچنان آب بحر قابل استفاده برای نوشیدن نیست تا اینکه از نهر ها استفاده شود.[1]

همچنان در جای دیگری می فرماید{وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ}[2]

ترجمه: و گذاشت بر روی زمین کوه های محکم و استوار را تا حرکت نکند و نهر ها و راه های زیادی تا باشد به هدایت شوید.{كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهَرًا}[3]

ترجمه: این دو باغ ها همیشه میوه به بار می آوردند و هیچ گونه از آن کم نمی شد و در میان آنها ما جاری کردیم نهر را در این ایه مبارکه کلمه نهر به فتحه هاء آمده است علمای لغت می گویند کلمه نهر به فتح هاء و سکون آن یکسان است تفاوتی ندارد مگر اینکه قرائت نصب بهتر است.[4]

۳- اقامت حجت بر وحدانیت الله متعال

در قرآن کریم در عده یی از آیات قرآن کریم ذکر نهر ها آمده اما هدف از ذکر آن اقامت حجت بر وحدانیت الله متعال می باشد.

{أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَإِلَهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ}[5]

---

[1] - تفسیر رازی ج ۱۹ ص ۱۳۰
[2] - سوره نحل/ ۱۵
[3] - سوره کهف/ ۳۳
[4] - بحرالعلوم سمرقندی ج ۲ ص ۲۹۹
[5] - سوره نمل / ۶۱

ترجمه: آیا آن ذاتی که گردانید زمین را جای قرار و گردانید در میان آن نهر ها را و گردانید برای آن کوه ها را و گردانیده بین دو بحر پرده را آیا هست همرای الله متعال معبود دیگری بلکه اکثر آنها نمی دانند.

کلمه خلال به این معنی است که در میان زمین رگ های آب است که از آن آب نهر ها بیرون می شود اینجا کلمه انهار به هدف اتمام حجت بر معاندین و منکرین توحید است که در روی زمین جاری بودن نهر ها همه از قدرت الله متعال است که هیچ کس بجز از الله متعال توان این کار را ندارد. همچنان قرار دادن پرده میان دو بحر شیرین و تلخ که به چشم دیده نمی شود نیز از جمله قدرت های الله متعال است که یکی در دیگر نفوذ نکرده و خلط نمی شوند.

۴- غرور و فخر ورزی فرعون

کلمه نهر در قرآن کریم به هدف نقل از غرور و فخر وروزی فرعون شده است الله متعال فرموده است:{ وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ}[1]

ترجمه: و صدا زد فرعون در قوم خویش گفت ای قوم ایا مرا نیست بادشاهی مصر و این نهرهای که جاری اند ماتحتم آیا نمی بینید؟ این جا کلمه نهر در فخر ورزی و غرور فرعون نقل شده است که بر دیگران فخر ورزی نموده و بر دیگران خود را برتر می دانست.

گفته می شود زیر قصر فرعون نهر های وجود داشت که خورد و بزرگ بودند و از دریای نیل جدا شده بودند.[2]

۶- ابتلاء به نوشیدن

در قرآن کریم کلمه نهر در ابتلاء و آزمایش نوشیدن نیز ذکر شده است الله متعال می فرماید: {فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي}[3]

[1] - سوره زخرف/ ۵۱
[2] - تفسیر زمشری جارالله ج ۴ ص ۲۵۷ و تفسیر قرطبی ج ۱۶ ص ۹۸.
[3] - سوره بقره / ۲۴۹

ترجمه: هرگاه جدا شد طالوت بالشکر گفت بی گمان الله متعال شمارا می آزماید با نهری کسیکه از شما نوشید از نهر از من نیست و کسیکه ننوشید از من است. اینجا کلمه نهر به هدف ابتلای لشکر طالوت در مقابل جالوت ذکر شده است.

۶- ثمره و مفاد استغفار

الله متعال جاری شدن نهر ها را در روی زمین از جمله ثمره استغفار دانسته و در این خصوص می فرماید:{وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا}[1]

ترجمه: و شمار را یاری میرساند با مال و اولاد و مقرر می گرداند برای شما باغها و می گرداند برای شما نهر ها را. این جا کلمه نهر در مقابل استغفار آمده است که یک بنده از الله متعال طلب آمرزش می کند و در مقابل آن الله متعال این نعمت ها را ارزانی می فرماید که از آن جمله به ارمغان دادن نهرهای پراز آب می باشد.

آیه ۵۲ سوره هود همین مطلب را تقویه می کند که در آن نزول آب فراوان به اثر استغفار مردم گفته شده است.

ج- چاه ها

چاهای روی زمین نیز از جمله منابع و مصادر آب در روی زمین اند که از آنها آب های فراوانی با وسائل مختلف دست داشته انسان ها بیرون می شود و در موارد مختلف مورد استفاده قرار می گیرد از قبیل نوشیدن و آبیاری زراعت و غیره و چاه در قرآن کریم به دو لفظ آمده است کلمه بئر و جبً کلمه بئر برای چای غیر مستعمل و غیر قابل استفاده بکار برده شده است و کلمه جب تنها در سوره یوسف آمده است.

نخستین کلمه چاه در قرآن به بئر تعبیر شده است که در آیه ذیل وجوود دارد:{فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ}[2]

[1] - سوره نوح/ ۱۲
[2] - سوره حج/ ۴۵

ترجمه: بسا قریه های وجود دارد که آنها را نابود و هلاک کردیم در حالیکه ظالم بودند که بر چت های خود افتیده اند و چاه های معطل نیز و قصر های محکم. در این جا کلمه بئر آمده است که از چاه تعبیر نموده اما این جا بئر و چاه غیر فعال است که از قابل استفاده نیست.

دومین مورد که کلمه چاه در قرآن ذکر شده به نام جُبّ ذکر شده است الله متعال در این مورد می فرماید: { فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ }[1]

ترجمه: آنگاه که برادران یوسف وی را بردند و اتفاق نمودند که آنرا در تاریکی های چاه بیاندازند.

خلاصه اینکه چاه که یک منبع بزرگ برای تولید و بیرون شدن آب از زمین شمرده می شود در قرآن کریم دو مورد آن ذکر شده است.

مطلب دوم:نزول آب از آسمان

در مطلب قبلی به منابعی اشاره شد که از بطن زمین منابع برای آب شمرده می شدند اکنون در این مطلب به منابعی اشاره می کنیم که از بالا به پایین نازل شده و مورد استفاده قرار می گیرد وکلمه عام که دربرگیرنده همه منابع آسمانی آب را شامل است ماء السماء است که نزول آب از آسمان گاهی از ابر انجام می شود که از ابر در قرآن تعبیر های مختلفی انجام شده است مانند: سحاب سحاب مسخر سحاب مبسوط سحاب الثقال سحاب الرکامی المزن المعصرات الحاملات الغمام العارض این همه اسمای ابرهای اند که از آب باران نازل می شود.

همچنان منبع دیگری برای آب در قرآن که آنرا از آسمان معرفی کرده است کلمه مطر است یعنی مطر نیز یکی از منابع و مصادر آب شمرده شده است که از آن تعبیرهای مختلفی شده است از قبیل: الغیث الرحمه الرزق الوابل الطل الودق الخبء الثجاج الغدق الصیب و الرجع این همه تعبیر های اند که برای باران بکار برده شده است.

سومین مورد جبال من برد (کوه های جاله) از جمله منابع تولید آب شمرده شده است که در از بالا به پایین آب از آن نازل می شود که میتوان برای هریکی از قرآن مثال ذکر کرد:

[1] - سوره یوسف/ ۱۵

الف- ابر ها

ابر در عربی سحاب را گفته می شود و سحاب من حیث منبع تولید آب که از بالا به پائین از میان آن آب نازل می شود را با اوصاف مختلف ذکر کرده است مانند:

۱- السحاب المسخر

گاهی نام مصدر آب به السحاب المسخر آمده است طوریکه الله متعال می فرماید:{ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ}[1]

ترجمه: ابر مسخر و تابع میان آسمان و زمین هر آیینه نشانه های قدرت الله متعال است برای قومیکه عقل دارند.در صدر آیه فرمود و آنچه که الله متعال از آب نازل کرده است از اسمان و در این جا سحاب مسخر فرمود به این معنی که سحاب تابع میان آسمان و زمین منبع برای خروج آب و نازل شدن آن بر روی زمین است. این که سحاب منبع برای آب است در جای دیگری الله متعال آنرا واضح ساخته می فرماید: {اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ}[2]

در این آیه مبارکه الله متعال بادها را برای تولید ابر می فرستد و از میان ابر ها قطرات آب بیرون می شود معلوم شد که ابر منبع برای آب است.

۲- سحاب مبسوط

دومین موردی که سحاب در قرآن ذکر شده است با وصف سحاب مبسوط است و سحاب مبسوط در فضاء منبع برای آب است الله متعال می فرماید: {اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ}[3]

[1] - سوره بقره/ ۱۶۴
[2] - سوره روم /۴۸
[3] - سوره روم /۴۸

سحابی که در فضاء میان زمین و اسمان تکثیر شده و نمو بخشیده می شود منبع برای تولید آب است ابن کثیر در مورد بسط ابر در فضاء می نویسد: الله متعال ابر را در میان آسمان و زمین امتداد بخشیده نمو میدهد و زیادش می کند.[1]

ج- السحاب الثقال

دیگر ابر با توصیف ثقال شده است یعنی ابرهای سنگین و این سنگینی به معنای موجودیت آب در میان ابرها است که توسط آن ابرها سنگین شده اند الله متعال درا ین خصوص می فرماید:{هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ}[2]

ترجمه: الله متعال ذاتی است که برای شما برق را به هدف ترس و امید بخشی نشان میدهد و سحاب سنگین را میسازد.

آیه دیگر نیز به همین لفظ سحاب را توصیف کرده است می فرماید:{وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ}[3]

ترجمه : و او تعالی ذاتی است که بادها را پیش از رحمت خویش می فرستد تا اینکه بار کند ابرهای سنگینی را و اورا می فرستیم به زمین مرده (خشک) توسط آن آب را نازل کردیم توسط آن تمام میوه ها را بیرون می کنیم همچنان بیرون میکنیم مرده ها را تا پند گیرید. زمحشری کلمه اقلت را به معنای رفعه کرده است یعنی بلند کند ابر سنگین را.[4]

۳- السحاب المرکوم

---

[1] - تفسیر ابن کثیر ج ۳ ص ۴۳۷-۴۳۸.
[2] - سوره رعد/ ۱۲
[3] - سوره اعراف آیه ۵۷
[4] - اساس البلاغه زمحشری ص ۶۳۱.

السحاب المركوم به معنای ابرهای متراکم شده این نیز یک صفت بزرگ برای ابری است که از میان آن آب بیرون می شود و به عنوان یک منبع بزرگ برای تولید آب شمرده می شود. الله متعال در این خصوص می فرماید:{أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ**}**[1]

در این آیه مبارکه کلمه يُؤَلِّفُ آمده است به معنای جمع کردن بعد از تفرقه زیرا تالیف بدون موجودیت دو جزء ممکن نیست[2] بعد کلمه رکام آمده است و این به معنای قرار دادن یک شی بالای دیگری است.[3] از آیه مبارکه معلوم شد که سحاب مرکوم یعنی ابری که یکی بالای دیگری قرار گرفته است منبع تولید آب باران می شود.

در ایه دیگری کلمه مرکوم آمده است که اسم مفعول برای ماده رکام است الله متعال می فرماید:{وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ}[4]

ترجمه: اگر ببینند توته عذابی را از آسمان ساقط شونده بر آنها می گویند ابری است مرکوم و یکی بالای دیگری قرار گرفته. خلاصه از دو آیه مبارکه فوق معلوم می شود که سحاب مرکوم (ابری که یکی بالای دیگری قرار گرفته است) منبع و مصدر برای تولید آب می شود که بالای زمین فرود می آید.

۴- المزن

چهارمین موردی که برای ابر بکار رفته است المزن است الله متعال به شکل اظهار قدرت خویش می فرماید: {أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ**}.[5]**

ترجمه: آیادیدید آبی را که می نوشید آیا شمار آنرا نازل کردید از مزن (ابر) یا ما نازل کننده ایم.اینجا کلمه مزن عبارت از ابری است که از میان آن باران نازل می شود و این جا از آن تعبیر به مزن شده

---

[1] - سوره نور / ۴۳

[2] - تفسیر رازی فخرالدین رازی ج ۲۴ ص ۱۳ و ابن کثیر ج ۲ ص ۲۹۸.

[3] - تفسیر رازی ج ۲۴ ص ۱۳.

[4] - سوره طور/۴۴

[5] - سوره واقعه/ ۶۸-۶۸

است. مزن ابر ثقیلی را گفته می شود که پر از آب باشد در اصل مزن مقلوب نزم است آن ابری را گفته می شود که به زمین میرسد و قلت نزم با مزن بر ثقل آن دلالت می کند.[1]

همچنان اسمای دیگری نیز برای ابر آمده است مانند المعصرات در آیه { وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا}[2]همچنان الحاملات نیز نام برای ابر در قرآن کریم آمده است الله متعال می فرماید:{فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا}[3]حاملات وقر به معنای بار کننده بار سنگین است اهل لغت می نویسند حرف واو قاف و راء اصل واحد است دلالت بر ثقل شی می کند و وقر حمل و بار را گویند[4] به ابر ها حاملات وقر بخاطری گفته می شود که آنها آب را حمل کرده از یک جا به جای دیگر انتقال میدهند. همچنان کلمه عارض نیز آمده است الله متعال در شان قوم هلاک شده قبلی هنگامی که نزول عذاب را دیدند فکر کردند ابر بارانی است می فرماید: {فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ}[5] اینجا کلمه عارض به معنای ابر است که گمان کردند ابر بارانی است.

ب- کوه های ژاله

همچنان از جمله منابع و مصادر آب که در قرآن کریم از آن نام برده شده است کوه های ژاله است که عربی آن جبال من برد امده است کلمه برد به فتح راء و سکون آن آمده است که با سکون شود به معنای سردی ضد گرمی است و اگربه فتحه راء شود به معنای بسته یخ را گفته می شود که عام معنای آنرا به ژاله می کنند.

قران کریم در این مورد می فرماید:{ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ}[6]

---

[1] - تفسیر رازی فخرا الدین ج ۲۹ ص ۱۸۳-۱۸۴

[2] - سوره نبأ/۱۴

[3] - سوره الذاریات / ۲

[4] - معجم مقاییس اللغة ج ۴ ص ۱۳

[5] - سوره احقاف/ ۲۴

[6] -سوره نور / ۴۳

ترجمه: و نازل می کند آب را از آسمان از کوه های که از ژاله اند. امام رازی در مورد کلمه من که در این آیه سه بار تکرار شده است به نقل قول از ابی علی فارسی می نویسد: من اول برای ابتداء است و من دوم برای تبعیض یعنی بعض از انچه است که در آسمان ها است و من سوم برای تبیین است زیرا جنس کوه های از جنس برد و ژاله اند.[1]

اما آنچه که امروز مشاهده می شود تا اکنون موجودیت کوه ها در آسمان دیده نشده است درست این است که هر آنچه بر سر انسان است آسمان گفته می شود و مراد سطح بالای زمین است که ابرهای موجوده در فضاء مشابه کوه های زمین اند.

این مطلب را بقاعی در تفسیر خویش تایید نموده است می نویسد: و نازل می کند از آسمان یعنی از جهت و طرف اسمان و مراد از کوه های سحاب و ابرها اند که بعد از تراکم آن بر یکدیگر مانند کوه ها می شوند.[2]

ج- باران

دومین منبع صدور آبی که از بالا به پایین میاید باران است و باران در قرآن کریم به مطر تعبیر شده اس و در قرآن کریم کلمه مطر به دو شکل آمده است یکی معروف و مشهور است که آب زلال و صاف و پاکیزه که رحمت الهی و سبب زنده شدن زمین و اهل آن می شود مانند این آیه مبارکه: { وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ**}[3] اینجا مطر به معنای عام آن است که مطلق باران است و باران در جای خود رحمت الهی است و دوم مطر به معنای عذاب الهی آمده است مانند آیه مبارکه ذیل:** {وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ}[4] **اینجا مطر به معنای نزول عذاب است که از پایان قسمت آیه مبارکه فوق معلوم می شود که در انجام مجرمین ذکر شده است.[5] آب باران که به هدف اصلی آن که رحمت و فراخی و برکت است به اوصاف دیگری مانند غیث رزق رحمة موصوف شده است.**

---

[1] - تفسیر رازی ج ۲۴ ص ۱۵

[2] - نظم الدرر البقاعی ج ۵ ص ۲۷۳.

[3] - سوره نساء / ۱۰۲

[4] - سوره اعراف/ ۸۴

[5] - نزهة الاعین النواظر ابن الجوزی ص ۵۴۱.

۱- الغیث

قرار گفته های علمای اهل لغت کلمه غیث به معنای کمک و به فریاد رسیدن آمده است و باران را غیث به خاطری گفته می شود که مردم به آن فریاد می زنند تا نازل شود.[1] باران به لفظ غیث در سه مورد آمده است که قرار ذیل اند:

{إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ}[2]

ترجمه: بی گمان نزد الله متعال است علم قیامت و نازل میکند باران را و می داند آنچه را که در ارحام است و نمی داند نفس فراد چه کار میکند و نمی داند نفس در کدام زمین می میرد بی گمان الله متعال عالم و خبردار است. در این جا مراد از غیث باران است که وقت نزول و مقدار آنرا بجز از الله متعال کسی دیگری نمی داند.{وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ}[3]

ترجمه: او ذاتی است که نازل می کند باران را پس از آنکه نا امید شوند و نشر می کند رحمت خویش را و او است ولی و ستوده شده. اینجا غیث به معنای بارانی است که پس از نا امید شدن مردم دوباره نازل می شود و امید بخش برای انسانها است.{اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ}[4]

ترجمه: بدانید که زندگی دنیا بازی و بی هوده است و زینت و فخر ورزی است در میان شما و سبب زیادت اموال و اولاد مانند باران.

اینجا زندگی دنیا را با بارانی تشبیه میدهد که دهاقین را متعجب می سازد.

[1] - معجم مقاییس اللغة ابن فارس ص ۸۱۷.
[2] سوره لقمان/ ۳۴
[3] - سوره شوری/ ۲۸
[4] - سوررہ الحدید / ۲۰

۲- الرحمة

اطلاق رحمة بر باران در قرآن کریم متعدد ذکر شده است که از جمله آن ایات ذیل است:{ وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ}[1]

ترجمه: و او ذاتی است که می فرستد بادها را بشارت دهنده پیش از رحمت (باران) الله مراد از رحمت در این جا باران است که قبل از آمدن باران بادهای مژده دهنده به منطقه مورد نیاز مواصلت می ورزند.

وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَإِلَهٌ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ}[2]

ترجمه: و کی است که می فرستد بادها را بشارت دهند پیش از رحمت الله متعال آیا هست معبودی همرای الله متعال برتر است الله متعال از آنچه که با او شریک می سازند. در این ایه مبارکه نیز مراد از رحمت باران است که قبل از فرود آمدن آن باد های مملوء از مژده فرستاده می شود که یک نوع اطلاع دهی بر نزول باران رحمت الهی است.

{وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ}[3]

ترجمه: و از جمله نشان ها قدرا الله متعال اینکه باد ها را بشارت دهنده می فرستد و تا بچشاند شمار از رحمت خویش و جاری شود کشتی به امر او و تا بجویید فضل الله را و شکر گذار شوید.

[1] - سوره اعراف / ۵۷
[2] - سوره نمل / ۶۳
[3] - سوره روم/۴۶

اینجا نیز مراد از رحمت باران است و چشانیدن رحمت الله متعال به معنای رسانیدن باران و رحمت الله متعال است.{فَانْظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ }[1]

ترجمه: پس نگاه کن به آثار رحمت الله متعال چگونه زنده می کند زمین را پش از مردن آن بی گمان او تعالی زنده کننده مرده ها است و اوتعالی بر هر چیز توانا است.

زنده شدن زمین پس از مرگ آن به معنای تازه شدن زمین پس از خشکی آن است که این اثر با نزول باران مرتب می شود.

د- وابل وطل

گاهی در قرآن کریم منبع صدور آب را وابل و طل گفته است یا خود باران را با نام های وابل و طل یاد کرده است وبل به شدت و تجمع معنا شده است و وابل به معنای باران شدید است.2همچنان در مفردات امام راغب به معنای باران انبوه معنا شده است در قرآن کریم فقط در دو مورد کلمه وابل در آیه مبارکه ذکر شده است که قرار ذیل اند:

{ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ}[3]

ترجمه: پس برسد اورا باران فراوان اورا صاف بگذارد که بر هیچ چیزیکه که کسب کرده اند قادر نخواهند بود و الله قوم کافر را هدایت نخواهد کرد. در این ایه مبارکه کلمه وابل آمده که به معنای باران شدید است که از بین رونده خاک سنگ هموار است اگر باران شدید نمی بود خاک با باران سبک از بین به سرعت نمی رود.

{فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ }[4]

[1] - سوره روم / ۵۰
[2] - معجم مقاییس اللغة ابن فارس ص ۱۰۸۱
[3] - سوره بقره / ۲۶۴
[4] - سوره بقره / ۲۶۵

ترجمه: اگر اورا نرسد باران فراوان پس شبنم کافی است و الله متعال به آنچه عمل میکنید بینا است. اینجا نیز وابل به معنای باران کثیر و زیاد است که مفید برای باغ و باغداری است. همچنان در این ایه کله طل نوشته شده است وطل به معنای شبنم است که هنگام شب باران نرم می بارد که تنها احساس نم و تر شدن در روی برگ های زمین احساسم می شود. این دو مورد نام باران هم اند و منبع برای صدور آب هم شمرده می شوند.

مبحث دوم: اقسام آب در قرآن کریم

مطلب اول: آب شیرین و گوارا

آب شیرین و گوارا در قرآن کریم به نام های متعدد یاد شده است که به انواع آن در این مطلب اشاره می شود که برای هریکی از آیت قرآن مثال آورده می شود:

الف- العذب

کلمه عذب معنای طیب شیرین و گوارا آمده است[1]در قرآن کریم دراین مورد آمده است که { وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا[2]

ترجمه: و او کسی است که دو دریا را روان ساخت این یکی شیرین و گوارا و آن دیگری شور و تلخ است و میان آن دو مانعی استوار و سدی نفوذ نا پذیر قرار دارد.

در این آیه مبارکه توصیف بحر با عذب شده است یعنی آب شیرین و گوارا که نوعیت آب را نشان میدهد.

{وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ[3]

ترجمه: و دو دریا یکسان نیستند این یکی شیرین و گوارا است نوشیدنش آسان و آن دیگری شور و تلخ است.

[1] - معجم مقاییس اللغة ابن فارس ج ۴ ص ۲۵۹
[2] - سوره فرقان/ ۵۳
[3] - سوره فاطر/۱۲

در این ایه مبارکه مقایسه بین دو آب صورت گرفته است که دو آب شیرین و نمکی باهم برابر نیستند در ضمن مقایسه بین دو آب توصیف آب را شیرین بودن آن بیان شده است.

آب شیرین عبارت از آب های است که آب های زمین اند مانند نهرها و چشمه های روی زمین که قابل استفاده است و انسانها از آن استفاده می کنند هم در نوشیدن و هم در تهیه غذا از آن استفاده کردن بر خلاف اب تلخ و شور که قابل استاده اصلا نیست حتی در لباس شویی هم قابل استفاده نمی باشد.

ب- معین

آب معین آبی است که ظاهرا از چشمه بیرون می شود و معین مشتق است از عین الماء یعنی چشمه آب[1] و المعیون عبارت است از چشمه های آبی که جاری در روی زمین است و به چشم دیده می شود.[2]

وکلمه معین در قرآن کریم چندین مرتبه ذکر شده است {وآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ}[3]

ترجمه: و آن دو را درسرزمین بلند که دارای آرامش و چشمه های روان بود پناه دادیم.مراد از معین در

این آیه مبارکه آب ظاهر است که در روی زمین جریان داشته باشد و الله متعال اینرا از جمله کمال نعمت های خویش شمرده که در مکانی آنهارا جا داد که آب جاری داشته در روی زمین.[4]

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ}[5]

ترجمه: گشتانده می شود بر آنها جام های از آب چشمه تازه. این جا معین به معنای چشمه است که از آن آب تازه برای بهشتیان در گیلاس ها آورده می شود چون آب نوشیدنی است به همین وجه آب شیرین و گوارا مراد می شود.

بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ}[6]

---

[1] ـ المفردات امام راغب اصفهانی ص ۳۶۸

[2] ـ لسان العرب ابن منظور افریقی ج ۱۳ ص ۳۰۴.

[3] ـ سوره المومنون / ۵۰

[4] ـتفسیر رازی ج۲۳ ص ۱۰۴

[5] ـ سوره الصافات/ ۴۵

[6] ـ سوره الواقعه /۱۸

ترجمه: با گیلاس و سوراهی ها وجام از آب چشمه.گیلاس از چشمه تازه و آب گوارا و شیرین برای نوشیدنی بهشتیان.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ}[1]

ترجمه: بگو خبردهید اگر آب شما فرو رود پس کی است که برای شما آب چشمه بیاورد.مراد از معین در این ایه مبارکه یا به وزن فعیل است به معنای کثرت آب یا به وزن مفعول است به معنای آب جاری اصل آن معیون است ابن عباس رضی الله عنهما می گوید معین به معنای عذب و شیرین است.[2]

ج- فرات

کلمه فرات به معنای شیرین است ابن فارس می نویسد: الفاء و الراء و التاء کلمة واحدة و هی الماءأ الفرات و هو العذب آب شیرین معنا دارد3 ابن منظور نیز آنرا به معنای آب شیرین کرده است و کلمه فرات در قرآن کریم در توصیف آن چند مرتبه وارد شده است:{ وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا}[4]

ترجمه : ما در روی زمین کوه های بلند و محکم را قرار داده ایم تا حرکت نکند و بر شما نوشاندیم آب زلال و شیرین را ذکر نوشیدن در این آیه نشاندهنده این مطلب است که مراد از فرات آب شیرین است.

د- مبارک

آب شیرین در قرآن کریم به کلمه مبارک نیز توصیف شده است و مبارک از برک گرفته شده است به معنای ثبات شی و بعد از این کلمه دیگر فروعات نیز تفریع شده است5 و برکت ثبوت خیر الهی را نیز

[1] - سوره الملک / ۳۰
[2] - المحرر الوجیز ابن عطیه ج ۱۶ ص ۷۱
[3] -معجم مقاییس اللغة ابن فارس ص ۸۳۴
[4] - سوره المرسلات / ۲۷
[5] - معجم مقاییس اللغة ابن فارس ص ۱۲۶

گفته می شود. در قرآن کریم کلمه مبارک در توصیف آب ذکر شده است که از جمله:{ وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا}[1]

ترجمه: ما نازل کردیم از آسمان آب مبارک را و مبارک به معنای ذی نفع و دارای فایده می باشدابن کثیر آنرا به معنای نافع ترجمه کرده است.[2] چون انسان ها از آب آسمان بهره می گیرند و از آن استفاده برای نوشیدن و هم برای آبیاری فصل ها و زراعت می کنند.

اطلاق مبارک بر آب آسمان بخاطری شده است که از آب باران اندک انبوه محصول زراعت و محصول باغها جمع آوری می شود.

ه- طهور

پنجمین صفت برای آب گوارا و شیرین در قرآن کریم صفت طهور است که برای آب بکار برده شده است. و طهور به معنای دوری از چرک و ناپاکی است همچنان به معنای پاک کننده دنس و چرک هم آمده است الله متعال در این خصوص می فرماید: { وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا}[3]

ترجمه: او تعالی ذاتی است که فرستاد بادها را بشارت پیش از نزول رحمت الله متعال و نازل کردیم از آسمان آب پاک را. اگر طهور به فتحه طا خوانده شود به معنای پاک بودن است و اگر به ضمه طا خوانده شود به معنای پاک کننده است.

مطلب دوم: آب نمکی و تلخ

نوع دوم از اقسام آب نمکی و تلخ است که در قرآن کریم نیز از آنها تذکر رفته است. قرآن کریم در دو مورد آب شیرین و تلخ و نمکی را یاد آور شده است یکی را به وصف الملح یاد کرده به معنای نمکی و

[1] - سوره ق / ۹
[2] - ابن کثیر ج ۴ ص ۲۲۲
[3] - سوره الفرقان/ ۴۸

دوم را به نام اجاج یاد کرده است{ وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا}[1]

ترجمه شده است ملح به معنای بیاض است و ملح الماء عبارت است از آبی که طعم آن تغیر کرده باشد2 از اینکه رنگ نمک سفید است ملح سفیدی را گفته می شود و آبی که مزه نمک را داشته باشد یا شور باشد آنرا ملح می گویند.

اجاج به معنای نمکی شدید است که بیشتر نمک داشته باشد.[3] در ایه مبارکه فوق دو صفت را مقابل هم ذکر کرده است ملح در مقابل عذب و اجاج در مقابل فرات آمده است چون در فرات شیرینی بیشتر است و اجاج نمکی زیاد است برای اول ذکر کرده که نوشیدن آن گوارا است و برای دوم ملح اجاج گفته است.

فصل سوم: آب وسیله نعمت و عذاب دنیوی و اخروی

مبحث اول: آب وسیله نعمت در دنیا و آخرت

مطلب اول: آب وسیله نعمت در دنیا

نعمت های دنیوی آب برای تمام حیوانات و زنده جان ها زیاد است و همه مرهون آب اند اگر نباشد حیات همه در خطر است و زندگی خویش را از دست میدهند این خو واضح است که آب وسیله حیات برای زنده جان ها است علاوه بر آن وسیله نعمت های دیگری هم هست که از جمله نعمت های بزرگ دنیوی آب برای انسانها قرار ذیل اند.

[1] ـ سوره الفرقان/ ۵۳
[2] ـ معجم مقاییس اللغة ابن فارس ص ۹۹۴و
[3] ـ المفردات امام راغب ص ۶

الف- وسیله صحت و شفا

اب وسیله شفا برای هر مریض است در خیلی ایات مبارکه به شفای مرض های توسط آب اشاره شده است در خصوص حضرت ایوب علیه السلام امده الله متعال می فرماید:{ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ (41) ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ}[1]

ترجمه: و یاد کن بنده ما ایوب را هنگامیکه پروردگارش را خواند به راستی به من شیطان تکلیف و عذاب داد دستور دادیم بزن با پاهایت این است وسیله غسل و نوشیدنی.

زمانیکه حضرت ایوب علیه السلام به مرض جسمانی مبتلا گردید در نهایت الله متعال زمایکه خواست از ابتلاء بیرون شود برایش دستور داد که با پاهای خویش زمین را محکم بزند تا آب بیرون شود و از آن آب هم بنوشد و هم غسل کند و این وسیله شفا برای ایشان گردید.

همچنان وقتیکه یک مسلمان وضوء می گیرد و یا هم حمام می کند توسط آن تمام مکروب های وجود وی دور می شود و در نهایت از تمام امراض در مصونیت قرار می گیرد که این امر وقایه برای وی از هر مرض می شود.

ب- وسیله حیات

آب وسیله حیات برای تمام جانداران و موجودات حیه روی زمین است الله متعال می فرماید: و جعلنا من الماء کل شئ حی ما توسط آب هر چیزی را زنده گردانیدیم و این حیات به دو نوع است حیات ابتدایی که توسط آب منی و سپرم هر موجود حیه به وجود می اید و دوم بقای تمام موجودات حیه است که تداوم بقای آنها توسط آب است از این جهت است که دادن آب برای زنده جان ها بخصوص انسان ثواب بزرگی دارد و در کتاب های حدیث از پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم ثواب آب دادن نقل شده است.

[1] - سوره ص / ۴۱-۴۲

ج- زراعت

از جمله فوائد بزرگ آب برای بشریت آبیاری کردن زراعت ها توسط آب است اگر آب نباشد تمام زراعت های زمین ازبین رفته و وسیله حیات انسان ها نابود خواهد شد.{ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ (63) أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ (64)[1]

ترجمه: آیا به آنچه میکارید نگریسته اید ؟ آیا شما آنرا می رویانید یا ماییم که آنرا می رویانیم،در این ایه مبارکه الله متعال به طور امتنان می فرماید چیزی را که شما زرع می کنید اگر الله نخواهد که زرع شود شما کدام قدرتی دارید که آنرا سبز کنید و سبز شدن زراعت توسط آب است اگر آب نبود زراعت هم نیست.

در جای دیگری الله متعال نزول آب را از آسمان به هدف تازه کردن زمین خشک معرفی کرده می فرماید:{وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ }[2]

ترجمه: و او تعالی ذاتی است که می فرستد باد ها را بشارت دهند پیش از نزول رحمت الله متعال (باران) تا اینکه بردارد ابر سنگینی را او می فرستیم به یک شهر بی جان پس توسط آن نازل کردیم آب را پس بیرون کردیم توسط آن از همه میوه ها همچنان بیرون می کنیم مرده ها را تا شما پند گیرید.بیرون کردن تمام میوه های زمین هدف بزرگ آب است که الله متعال به هدف آن آب را می فرستد تا زمین خشک و مرده دوباره تازه و خرم شود و از آن مردم بهره برند.

همچنان آیات فراوان دیگری نیز وجود دارد که الله متعال در ضمن بیان قدرت خویش به زنده شدن زمین بعد از خشکی آن فرموده است که در ضمن آن اهمیت آب در زنده نگه داشتن زمین و فصل های روی زمین درختان و سرسبزی های آن معلوم می شود.

[1] - سوره واقعه / ۶۳-۶۴

[2] -سوره اعراف / ۵۷

د- تزاوج و تلقیح

از جمله فوائد آب اینکه تلقیح و تزاوج تمام زنده جان ها توسط آب به میان می اید اکثر حیوانات بدون آب به دنیا نمی اید که توسط سپرم خاص خود حیوان تلقیح و بارداری صورت می گیرد در خصوص خلقت انسان الله متعال می فرماید.{ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا}[1]

ترجمه: او تعالی ذاتی است که از آب بشر را آفرید برای وی گردانید نسب و خسرخیلی این ایه مبارکه به وضوح نشان میدهد که خلقت انسانها توسط آب است که گاهی آنرا به آب مهین تعریف کرده و گاهی با آب دافق الله متعال می فرماید:{ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ (5) خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ (6) يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ}[2]

ترجمه : **نگاه کند انسان که از چه آفریده شده است از آب توب کننده که از میان کمر وسینه بیرون می شود. این ایات مبارکه نیز خلقت انسان را از آب نشان میدهد که از مرد و زن بیرون می شود.**

مطلب دوم: آب وسیله عذاب در دنیا

طوریکه در بحث قبلی یاد آور شدیم آب نعمت بزرگ الله متعال است در ضمن وقتیکه الله متعال اراده هلاک یک قوم را داشته باشد توسط همین ماده که نعمت بزرگ است مکان ها و انسان ها را نابود می سازد که نمونه آن در قرآن کریم وجود دارد که اقوام قبلی را که سرکش شده اند را الله متعال توسط آب نابود می سازد که به شرح ذیل به نمونه های آن اشاره خواهیم کرد:

[1] - سوره القرقان / ۵۴
[2] - سوره الطارق / ۵-۶-۷

الف- هلاک فصل ها وزراعت

همچنان هلاکت فصل ها و باغ ها نیز توسط آب صورت گرفته است الله متعال در خصوص قوم سبأ می فرماید:{ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَيْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ (16) ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ }[1]

ترجمه: اما آنان روگردانیدند پس سیلاب سهمگین سد عرم را ببر آنان روانه ساختیم و دو باغ (پرنعمت) آنان را به دو باغ با میوه های تلخ و درختان شوره گز و اندکی درخست سدر تبدیل کردیم.پس از اعراض و روگردانی و ناشکری قوم سبأ که الله متعال برای شان نعمت های فراوانی توسط دو باغ های مملوء از میوه ها ناشکری کردند و نعمت الله متعال را شکر گذاری نکردند سیل آب را فرستاد و تمام باغ های آنان به خار و خس تبدیل شد و می فرماید که همچنان جزا میدهیم برای هر انسان ناشکر و ناسپاس را.

ب- هلاک اقوام

الله متعال توسط آب اقوام گذشته یی که بغاوت اختیار کردند را نابود کرد که نخستین انسان های هلاک شده به روایت قرآن کریم قوم نوح علیه السلام است که مشرک شده و به دعوت نوح علیه السلام اعتناء نکردند به وسیله آب همه غرق شدند وقتیکه نوح علیه السلام در حق آنها بعد از مایوس شدن از ایمان شان دعای بد نمود الله متعال برای ایشان دستور داد و فرمود:{وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ}[2]

ترجمه: کشتی را زیر نظر و چشمان مان بساز و در مورد قوم ظالم با ما حرف نزد ایشان قومی اند که هلاک خواهند شد.سرانجام الله متعال آب آسمان را به طغیان در آورد و آب زمین فوران نمود و همه قوم غرق شدند و در این مورد می فرماید: {إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ}[3]

[1] - سوره سبأ / ۱۶-۱۷

[2] - سوره هود / ۳۷

[3] - سوره الحاقه / ۱۱

ترجمه: ما زمانیکه آب در طغیان شد شما را سوار کشتی نمودیم.که در نتیجه تمام قوم به شمول فرزند نوح علیه السلام غرق آب شدند و هلاکت آنهارا گرفت.

هلاک فرعون با تمام لشکر و دبدبه یی که در میان مردم داشت رود نیل همه آنها را گرفت که فرصت برای نجات پیدا کرده نتوانست در خصوص این داستان ایات فروانی وجود دارد که نسبت ضیقی بحث آنرا ذکر نمی کنم.

مبحث دوم: آب وسیله نعمت دنیا و آخرت

مطلب اول: آب وسیله نعمت در آخرت

طوریکه الله متعال آب را نعمت دنیا معرفی نمود همچنان آب وسیله نعمت بزرگ الهی در آخرت نیز شمرده شده است الله متعال در قرآن کریم از جمله نعمت های بهشت آب جاری در میان قصرهای بهشتیان سخن می گوید و همچنان گیلاس های آب در بهشت و چشمه های مخصوص برای بهشتیان نعمت بزرگ اخروی شمرده است.

{إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (5) عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا}[1]

ترجمه: بی گمان نیکان از جامی می نوشند که آمیخه به کافور است چشمه یی که بندگان خدا از آن می نوشند و آنرا (به هرجا که بخواهند) جاری میسازند.این نعمت بزرگی است که بهشتیان در بهشت از چشمه مخصوص وخاصی که در جای دیگری نام های کافور و سلسبیل برایش گفته شاده می نوشند این ایات در صدد بیان نعمت های اخروی بهشتیان است.

{ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ}[2]

ترجمه: و هرکه از الله و رسولش پیروی کند آنرا داخل بهشت میسازد که زیر قصر های آن نهارهای جاری است برای همیش اند در بهشت و این کامیابی بزرگ است.

[1] - سوره انسان / ۵-۶
[2] - سوره نساء / ۱۳

و این نهر ها را الله متعال در سوره محمد تفصیلی ذکر کرده است که از آن جمله آب خالص و بدون بد بویی را معرف کرده است می فرماید:{ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ}[1]

ترجمه: مثال بهشتی که برای متقیان وعده کرده شده است در آن نهر های از آبی است که بدبو نگرفته است. از جمله چهار نهرهای بهشت یکی از آنها نهر آبی است که غیر آسن است یعنی بوی بد و مخالف طبیعت انسان ندارد. همچنان در سوره الرحمن الله متعال موجودیت چشمه های جاری و فوران کننده را یاد آور می شود می فرماید:{فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ}[2]

ترجمه: در آن دو بهشت دو چشمه جاری وجود دارد.همچنان چشمه های دیگری را معرفی کرده می فرماید: {فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ}[3]

ترجمه: در آن دو بهشت دو چشمه فوران کننده است معنای نضخ را قبلا گفتیم که آبی که از زمین فوران می کند و به بالا ارتفاع پیدا میکند را نضخ گویند.

در ضمن تمام چشمه های که دربهشت اند و جریان آب همراه با باغ های بهشت و همچنان حوض کوثر که حوض پیامبرصلی الله علیه وسلم است همه از جمله مواردی اند که اهمیت و نعمت بودن آب را در روز قیامت نشان میدهد.

مطلب دوم: آب وسیله عذاب در آخرت

همانطوریکه آب نعمت بزرگ اخروی برای مردمان نیکو و پرهیزگاران شمرده شد همچنان آب عقوبت اخروی نیز شمرده می شود قرآن کریم به انواع عذاب های که توسط آب داده می شود نام برده است که قرار ذیل اند:

الف- حمیم

[1] - سوره محمد / ۱۵
[2] - سوره الرحمن / ۵۰
[3] - سوره الرحمن / ۶۶

یکی از نام های که برای آب در جهنم وسیله عذاب مهیا شده است کلمه حمیم است که آب گرم و نهایت گرم را گفته می شود که در آیات ذیل از آن نام برده شده است:

{ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ}[1]

ترجمه: آنها نوشیده می شوند از آب گرم که روده های آنها را قطع می کند.تفسیر ابن کثیر معنا کرده که قطع می کند آنچه را که در داخل شکم آنها است و حمیم را به معنای حار شدید معنا کرده است که هر گز حرارت آن قطع نمی شود.2 امام رازی افزوده است که قطع کردن روده های جهنمیان از اثر حرارت نیست بلکه از اثر زهری است که آب با آن خلط شده است.3 در مجموع معلوم می شود که آب وسیله عذاب در آخرت می شود.

همچنان در آیه دیگری نیز از آب گرم جهنم به ماء حمیم یاد شده است الله متعال می فرماید:{ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ}[4]

ترجمه: آنانیکه کافر شدند برای ایشان است نوشیدنی گرم و عذاب دردناک به سبب کفر آنها. اینجا نیز آب گرم وسیله عذاب برای جهنمیان شمرده شده است.همچنان در جای دیگری نیز کلمه حمیم آمده است{ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ}[5]

ترجمه: برای آنها است نوشیدن آب گرم در جای دیگری مهمانی برای آب گرم آمده است.

الله متعال در این خصوص می فرماید:{وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا}[6]

---

[1] - سوره محمد/ ۱۵
[2] - تفسیر ابن کثیر ج ۴ ص ۱۷۷
[3] - تفسیر رازی ج ۲۸ ص ۵۷
[4] - سوره یونس / ۴
[5] - سوره الصافات / ۶۷
[6] - سوره الکهف / ۲۹

ترجمه: و اگر برای نجات فریاد بکشند با آبی چون فلز گداخته که صورت ها را می سوزاند کمکشان می کنیم چه بد نوشیدنی است و چه بد جایگاهی؟!اینجا آب وسیله عذاب ذکر شده است که همانند چرک تیل می باشد و وسیله عذاب برای جهنمیان است.

ب- الغساق:

دومین نام برای آب جهنم که در قرآن یاد شده است است غساق است کلمه غساق از غسق گرفته شده است دلالت بر ظلمت و تاریکی دارد و غساقی که در قرآن برای جهنمیان گفته شده است مفسران می گویند که مراد از آن آن آبی است که از پوست جهنمیان میریزد.[1]

هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ[2]

ترجمه: این است آنها بچشند آب گرم و شدید گرم را در جای دیگری آمده که:{ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا}[3]

ترجمه: نمی چشند در آن سردی و نوشیدنی را مگر آب گرم و آب پوست جهنمیان را.

ج- چشمه گرم

مورد دیگری که آب وسیله عذاب برای جهنمیان می گردد این که چشمه جوش و گرم آمده است که جهنمیان از آن می نوشند الله متعال می فرماید {تسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ}[4]

ترجمه: نوشانیده می شوند از چشمه گرم نهایت گرم و گرمی آنرا مفسرین گفته اند که اگر یک قطره آن بالای کوه چکانیده شود کوه را ذوب می کند.5

---

[1] - معجم مقاییس اللغة ابن فارس ص ۸۴۸
[2] - سوره ص / ۵۷
[3] - سوره نبأ / ۲۴-۲۵
[4] - سوره الغاشیه / ۵
[5] - تفسیر قرطبی ج ۲۰ ص ۲۹

د ــ ماء صدید

مورد دیگری که آب وسیله عذاب در آخرت است اینکه بر جهنمیان آب ریم و خون نوشانیده می شود آنکه از بدن جهنمیان بیرون می شود الله متعال در این خصوص می فرماید: {وَيُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ}[1]

ترجمه :و بر ایشان نوشانده می شود آب صدید و آب صدید عبارت از آب و خونی که از بدن جهنمیان بیرون می شود.

ه- ماء کالمهل

آب مانند مهل بر جهنمیان نوشانیده می شود و مهل عبارت است از مانند چرک تیل است که در پایان قسمت آن باقی می ماند که اگر به چهره جنمی نزدیک شود پوست رویش می ریزد در مورد آن الله متعال می فرماید {وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا}[2] **ترجمه شده است.در این آیه مبارکه کالمهل آمده است و مراد از آن آبی است که همانند چرک تیره تیل. امام مجاهد رح در تفسیر این آیه می نویسد که مثل القیح و الدم اسود کعکرالزیت مهل مانند قیح و خون است رنگ سیاه مانند چرک تیل است.**

[1] - سوره ابراهیم / ۱۶
[2] - سوره کهف / ۲۹

فصل چهارم آب وسیله نشانه های قدرت الله متعال

مبحث اول:نشأت وزندگی زنده جان ها

مطلب اول: کاینات بحری

در بیان آب در قرآن کریم علاوه بر ذکر منفعت و حکمت از خلقت آن به چیز های دیگری نیز اشاره شده است که بیان عظمت و بزرگی الله متعال است الله متعال قدرت نمایی از عظمت و بزرگی خویش می نماید و آنرا در قالب بیان آب و مثل های آن ذکر کرده است که به عنوان مثال می توان از کاینات بحری نام برد که در میان آب زندگی می کنند.

الله متعال که از آب موجودات حیه را آفریده است و در میان موجودات حیه یک عده موجوداتی اند که در داخل آب زندگی می کنند.زنده جان های که در داخل آب اند این همه بر طبق قانونی ساخته شده است که برای آنها در آب جای زندگی مهیا شده است خوراک آنها در داخل آب است و اکسیجن آنها در داخل آب قطع نمی شود و به یک شکلی خاص تمام معیشت های زندگی خویش را آماده و مهیا کرده اند آب دو خاصیت عمده دارد حرارت و برودت حرارت آن ایجاب می کند که هر شی به سطح آب بالا شود و برودت آب چیزی است که حجم حیوان را کم کرده و به سوی زمین فر می رود.

زندگی ماهی ها و سایر حیواناتی که سائل اند معجزه وار تهیه دیده شده است که در محیط در یاهای شمالی زندگی می کنند چون برودت آب به کثرت حجم و به سطح بالای بحر بالا شدن آنها است این ترکیب چیزی است که زمینه زنده ماندن آنها ر ا مهیا کرده است.

مطلب دوم: تلقیح و ازدواج

جفت گیری حیوانات از جنس های مختلف خود که باهم یکجا شده و از میان آنها حیوان دیگری به وجود می آید نشانه قدرت الله متعال است که منشأ آن آب می باشد.

خلقت هر شی حی و زنده توسط آب شده است الله متعال می فرماید{ وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ[1]

ترجمه: ما هر شی را توسط آب زنده کرده ایم و این خلقت منشأ آن آب و سپرم است.در جای دیگری نیز خلقت تمام جنبنده های روی زمین را به آب نسبت داده می فرماید: {وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ}[2]

ترجمه: الله متعال هر جنبنده را از آب آفریده است. و در خصوص خلقت انسان در سوره طارق می فرماید:{فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ}[3]

ترجمه: انسان بنگرد از چه پیدا شده است از آب دافق خلق شده است که از میان کمرمرد و سینه زن بیرون می شود.

تلقیح وتزاوج تمام حیوانان به شمول نسل انسان از جلمه عجایب شگفت انگیز الله متعال است. ایه دیگری نیز وجود دارد که به خلقت انسان ازنطفه را نشان میدهد {أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ}[4]

ترجمه: آیا شمارا نه آفریدیم از آب مهین یعنی ضعیف و نا توان بود.

مطلب سوم: زنده شدن زمین پس از خشکی

زمین با نرسیدن آب مرده مانند شده از این جهت در اکثر مواردی که درقرآن آمده است به زمین خشک و بی علف نام مرده گذاشته شده است و این زمین مرده توسط آب با مراحل مختف دوباره زنده می شود.

[1] - سوره انبیاء / ۳۰
[2] - سوره نور / ۴۵
[3] - سوره الطارق / ۵- ۷
[4]

الله متعال می فرماید: فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ (24) أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (25) ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا}[1]

ترجمه: پس انسان باید به غذای خود بنگرد ما آب را به طور فراوان فرو ریختیم سپس زمین را به خوبی شکافتیم در این ایات مبارکه به مراحل زنده شدن زمین خشک و بی علف اشاره می کند.و در نهایت زمین شق شده و حبوبات و میوه ها زمین را سیر می کند در این همه آیات ذکر شده قدرت بزرگ الله متعال به نمایش گذاشته می شود از که سبز شدن زمین شق شدن آن و نرم شدن زمین توسط آب و همچنان بیرون شدن سبزی از میان دانه و خسته همچنان آیات دیگری وجود دارد که سبز و خرم شدن زمین را به اساس نزول آب دانسته و می فرماید: { أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَإِلَهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ}[2]

ترجمه: آیا آن ذاتی که آفرید آسمان ها و زمین را و نازل کرد برای شما از آسمان آب سبزکردیم توسط آن باغ های دارای تازه گی نبود سزاوار شمارا که درختان آنرا سبز کنید آیا هست معبودی همرای الله متعال بلکه آنها قومی اند اعراض کننده. در این جا آب وسیله سبز شدن درختان و باغ های میوه است و باغ های میوه برای صاحبانش میوه میدهند.

دهقان تنها دانه و خسته را زیر خاک کرده و باغبان درختی و یا نهالی را غرس می کند آنچه بر وی زیر خاک می گذرد مربوط به الله متعال است که چگونه آنرا رشد و نمو میدهد تعلق به قدرت الله متعال دارد.

سست شدن زمین و در حرکت آوردن آن

همچنان آب در روی زمین وسیله سست شدن زمین و در حرکت آمدن زمین می شود الله متعال می فرماید:{ وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ}[3]

---

[1] - سوره عبس – آیه ۲۴- ۲۶

[2] - سوره النمل / ۶۰

[3] - سوره حج / ۵

ترجمه: و زمین را خشک و مرده می بینی پس هنگامی که آب بر آن فرو می فرستیم به جنبش در ممی آید و رشد می کند و از هر نوع گیاه زیبا می رویاند.

زمین خشک زمانیکه آب بر وی نازل می شود در حرکت می اید و می پندد وآماده برای سبز و خرم شدن می شود این همه کار مقدمات آن نزول آب است.

علمای اعجاز علمی می نویسند: اگر نزول آب بر روی زمین خشک و دارای صلابت نمی بود این زمین مرده آماده هیچ نوع نبات و گیاهی نمی بود بلکه همان شکل مرده و بی حرکت و دارای صلابت باقی خواهد می ماند.[1]

مبحث سوم: جریان های آب ها

مطلب اول: جاری شدن آب از سنگ

آب مجاری مختلفی در روی زمین دارد که چشمه ها و ذوب شدن برف های انبوه بر کوه های بلند و قله های مرتفع وسیله برای پیدا شدن آب می شود ولی گاه گاه از میان سنگ ها و صخره های بزرگ نیز آب بیرون می شود و شق صورت می گیرد قرآن کریم به این نوع شق ها سنگ که از میان آن آب بیرون می شود تذکر داده است می فرماید:{ وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ}[2]

ترجمه: بعض از سنگ ها طوری اند که از آنها آب جاری می شود و عده یی شق شده از ترس الله متعال و از آن آب و نهر ها جاری می شود و بعض از آنها از ترس الله متعال می لولد از بالا به پایین و الله متعال از آنچه که عمل می کنید بی خبر نیست.

و اینرا علم امروز نیز تجربه کرده است که آب وقتیکه در روی زمین و کوه ها جذب می شود در داخل شکم زمین جمع شده و ذخیره می شوند و قتیکه حجم آن زیاد شود در جستجوی بیرون شدن می شود و

---

[1] - اعجاز النبات فی القرآن الکریم نظمی خلیل ابو العطا ص ۴۹-۵۰ معجزة القرآن نعمت صدیقی ص ۵۹ القرآن والکون محمد عبدالله الشرقاوی طبع ۳ بیروت لبنان دارالجیل سال ۱۴۱۱ ه مطابق ۱۹۹۱م.

[2] - سوره البقره / ۷۴

برای خود یک منفذی می خواهد که بیرون شود که بیرون شدن آن یا به شکل نهر یا به شکل چشمه و یاهم به شکل شق شدن سنگ و صخره که در نهایت آب جاری می شود از میان سنگ لاخ های بزرگ.[1]

این همه انفجار های و شق شدن سنگ و بیرون شدن آب از میان آن یک سخن اتفاقی نیست بلکه از اثر حرکات درونی آب است که شدت آن زمین و سنگ را شق می کند.[2]

مطلب دوم: جذبیت زمین آب را

زمین وسیله جذب برای آب های ها بیرونی زمین است که وقتی باران نازل می شود و یا آب های از ذوب برف های کوه به سطح زمین می ایند را جذب می نماید:{ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ}[3]

ترجمه و ما نازل کردیم آب را ا آسمان به اندازه (به قدر ضرورت انسان ها) آنرا ساکن ساختیم در زمین و ما هر آیینه به از بین بردن آن تواناییم. این قرار دادن آب در زمین عام است اگر در سطح زمین باشد مانند جوی ها و نهر های روی زمین یا به شکل حوض های خورد و بزرگ و یاهم در میان شکم زمین جابجا شوند همه را شامل می شود که این آب ها را در زمین جاگزین ساختیم ولی نزول آب به اندازه ضرورت انسانها است و اگر بالاتر از ضرورت شود باز تبدیل به عذاب می شود. مثلیکه قوم نوح علیه السلام را نابود ساخت.

مطلب سوم: تسجیر آب

قران کریم در مورد نظام دنیا کدام مطلبی را پیشگویی می کند ویا هم در مورد نظام کائنات بحث دارد امروز بشریت به اساس تجربه ها و دانش های جدید خود به همان واقعیت ها دست پیدا می کنند از آن جمله رابطه میان ابرهای بارانی با ریزش باران است که در این خصوص الله متعال برای نزول باران از فرستادن ابرها سخن می گوید امروز تجربه بشر به این نکته دست بافته است که میان نزول باران و وزش ابرها و بحر های روی زمین رابطه یی محکم وجود دارد.

---

[1] ـ القرآن و المعادن محمد عبدالقادر الفقی ص ۴۵

[2] ـ تاملات فی خلق السماوات و الارض اشرف فوزی البارودی ص ۱۲۷-۱۲۸

[3] ـ سوره المومنون / ۱۸

{وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ}[1]

ترجمه: او تعالی ذاتی است که باد ها را می فرستاد مژده پیش از رحمت الله متعال تا اینکه بردارد ابرهای سنگینی را بعد اورا می فرستیم به یک شهر مرده نازل می کنیم از آن اب پس بیرون می کنیم توسط آن از هر میوه ها همچنان بیرون می کنیم مرده گان را. اینجا رابطه عمیق میان ابر و باد و باران وجود دارد که از اثر تبخیر بحر در فضا ابر جمع شده و تشکیل آب میدهد سپس توسط بادها از یک سو به سوی دیگر انتقال می یابد.

{ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ}[2]

ترجمه: الله متعال ذاتی است که می فرستد بادها را سپس بر می دارد ابرهای بارانی را پس او را می گستراند آنگونه یی که بخواهد روی یکدیگر آنرا قرار میدهد پس میبینی دانه آب را که از میان آن بیرون می شود وقتیکه به بنده گانی که بخواهد برسد ناگهان آنها مژده می گیرند.

مانند این دو آیه چندین آیه دیگری نیز وجود دارد که به رابطه عمیق میان ابر و باد و باران دلالت می کند و تجربه امروزی بشر به اعجاز علمی قران زانو زده و سر تسلیم گذاشته است.

[1] - سوره اعراف / ۵۷
[2] - سوره الروم / ۴۸

فصل پنجم: آب در امثال قرآنی

مبحث اول: عظمت وبزرگی الله متعال

در این مبحث روی ایاتی بحث می شود که از تصادم و نزول آب بر زمین نشانه های قدرت الله متعال آشکار می شود در قالب مثال بیان می شود مثال های قرآنی را در این مبحث روی دو موضوع می چرخانم نخست حالت زمین که در وقت نزول آب چگونه حالتی را از خود می کند و دوم نزول باران از ابر این دو موضوع را طی مثال های قرآنی در دو مطلب تذکر میدهم.

مطلب اول: حالت زمین

الله متعال حالت زمین را طوری معرفی کرده است که گاهی به زنده تشبیه داده و گاهی با مرده که قبل از نزول باران و رسیدن آن حیثیت مرده را داشته و بعد از نزول آب به زنده تبدیل می شود.

در قرآن کریم الله متعال زمین را منجمد معرفی کرده که بعد از نزول آب و باران در آن شق پیدا می شود الله متعال می فرماید:{أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (25) ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا}[1] **ترجمه: ما ریختیم بر زمین آب را با ریختن باز آنرا شق کردیم با شق نمودن زمین قبل از نازل شدن آب در حالت جمود قرار داشته می باشد که در آن وقت قابل زرع نمی باشد ولی بعد از نزول آب و باران در آن شق پیدا شده و خاک آن سست می شود و قابل زراعت می شود.**

{وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (5) ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى وَأَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (6) وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ}[2]

ترجمه: و تو می بینی زمین را خشک و قتیکه بر آن آب نازل شود در حرکت می اید و می پندد وسبز می کند از هر جفت آن تازه این به سبب اینکه الله متعال حق و او تعالی زنده می کند مردگان را و الله

[1] - سوره عبس / ۲۵-۲۶
[2] - سوره حج/ ۵-۷

متعال بر هرچیز قادر است و اینکه قیامت آمدنی است و در آن شکی نیست و الله متعال زنده می سازد آنچه را که در قبور است.

در این آیات مبارکه الله متعال حالت زمین را بیان کرده است که زمین قبل از نزول آب و باران خشک و بی حال می باشد وقتیکه آب نازل شود تر و تازه شده و هر شی را سبز می کند بعد به زنده شدن بعد از مرگ تصریح نموده است که مانند زنده شدن زمین الله متعال هر مرده را دوباره زنده می کند بیان حالت زمین که دو حالت فوق را دارد تازه گی و خشکی به منظور مثال دادن زنده شدن مرده ها است بعد از مرگ این تمثیل است در ضمن بیان حالت زمین.

همچنان در بیان حالت زمین بیان عظمت وبزرگی الله متعال نیز میشود زیرا زنده شدن زمین پس از خشکی آن کار عادی نیست قوت و عظمت بزرگ می خواهد.

مطلب دوم: نزول آب از ابرها

الله متعال از جمله قدرت های خویش که در قرآن کریم به نمایش می گذارد نازل شدن آب را از میان ابر می شمارد الله متعال در آیات متعددی از قدرتنمایی های خود در خصوص ابر وباران و بادها سخن می گویداز جمله:

{وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ}[1]

ترجمه: و آبی را که الله متعال نازل کرده است از آسمان (ابر) زنده ساخت زمین را بعد از مرگ و خشکی آن و پراگنده ساخت در زمین هر نوع جنبنده را و گردش باد و ابر مسخر در میان آسمان و زمین هر آیینه نشانه های قدرت الله متعال است برای قومی که عقل دارند.

در این ایه مبارکه الله متعال قدرت و عظمت خود را بیان داشته که بعد از اندیشیدن در آن هر انسان عاقل می تواند بزرگی الله متعال را درک کند.

[1] - سوره بقره/ ۱۶۴

{وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ}[1]

ترجمه: او تعالی ذاتی است که بادها را مژده دهنده می فرستد قبل از نزول باران تا اینکه بردارد ابرهای سنگینی را اورا می فرستیم به شهر مرده پس نازل می کنیم توسط آن آب را ذریعه آن بیرون می کنیم انواع میوه ها را همچنان بیرون می کنیم مرده ها را تا اینکه پند گیرید.

مبحث دوم: بیان احوال اعمال و انسان ها

الله متعال احوال و اعمال انسانها را ضمن مثال با آب تشبیه داده است که هم عمل انسان را نشان میدهد و هم احوال انان را در قوت و ضعف و نابود شدن عمل که این بحث را طی مطالب ذیل مورد بحث قرار میدهیم:

مطلب اول: حق وباطل

حق و باطل را الله متعال با مثال های آب تشبیه کرده است و حق را از باطل توسط مثال آب واضح ساخته است.حق عبارت است از: نقیض باطل حقوق جمع آن است به معنای ثابت و صحیح آمده است.2 باطل عبارت است از: در لغت به معنای ضیاع و خسران آمده است و در مقابل حق قرار دارد و جمع آن اباطیل است.3 حق در اصطلاح عبارت است از: حکم مطابق با واقع و اطلاق آن بر اقوال عقائد و غیره می شود.4 و باطل ضد صحیح و ضد حق است و عبارت است از هر آنچه که ثبات نداشته باشد از قول و فعل.5

---

[1] -سوره اعراف / ۵۷

[2] - مجمل اللغة ابن فارس ج ۱ ص ۲۱۵

[3] - مجمل اللغة ابن فارس ج ۱ ص ۱۲۸

[4] - التعریفات للجرجانی ص ۹۴.

[5] - منبع قبلی.

{أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ}[1]

ترجمه: نازل کرد الله متعال آب را از آسمان وادی ها به اندازه ضرورت آن جاری شد سیل کف فراوانی را بالای آب با خود حمل کرد و از آنچه که مردم بر آن آتش می افروختند به هدف طلب زیورات یا بهره گیری مثل آن همچنان الله متعال بیان می کند حق و باطل را هرچه کف دریا است محوه و نابود می شود و آنچه که مردم از آن بهره می گیرند مکث می کند در زمین همچنان الله متعال بیان می کند مثال ها را.

در این آیه مبارکه الله متعال حق و باطل را در ضمن بیان آب مثال می دهد که مثال حق مانند چیزهای است که منفعت میرساند مانند زیورات و وسائل سوخت و باطل همانند کف دریا است که هیچ سودی ندارد و زود زوال پیدا می کند.

مطلب دوم: حال منافقین

همچنان مانند بیان حق وباطل الله متعال توسط آب وباران مثال منافقین را نیز ذکر کرده است:

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ (17) صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (18) أَوْ كَصَيِّبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ (19) يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ}[2]

[1] - سوره الرعند/ ۱۷

[2] - سوره بقره / ۱۷-۲۰

ترجمه: داستان منافقین مانند کسی است که روشن کند آتشش را وقتیکه ماحول خود را روشن کند الله متعال ببرد نور آنها را و ایشان را در تاریکی ها بگذارد که هیچ نمی بینند ایشان کر گنگ و کور اند پس بر نمی گردند یا مانند باران فراوانی است که از آسمان نازل می شود در آن تاریکی ها رعد وبرق است می گذارند انگشتان خویش را در گوش های خویش از ترس صاعقه و از ترس مرگ و الله متعال احاطه کننده است بر کافران نزدیک است برق که برباید نظرهای شان نرا هرگاه روش شود برای شان در آن راه میروند و قتیکه بر ایشان تاریک شود می ایستند و اگر الله متعال بخواهد می برد قوه شنوایی و نظر آنها را بی گمان الله متعال بر هر چیز توانا است.

در آیات فوق الله متعال حالت منافقین را به دو شکل بیان کرده است حالت اول را که حیرت و اضطراب است تشبیه داده به حال کسی که در سفر روان است در حالیکه آتش را روشن کرده است راه را روش نموده می شناسد که کجا برود بعد در مدت کوتاه آتش وی خاموش شود تمام راه های وی را تاریکی فراگیرد نمی داند کجا برود وکجا گام بگذارد هیچ گامی گذاشته نمی تواند و متوقف می شود.

امام شعراوی در تطبیق این مثال می نویسد. منافقین به واقعیت ها و نفس الامر ها نگاه نمی کنند بلکه به ظواهر می بینند نفع عاجل را خواسته تاریکی های قلب شان به ایشان اجازه نمی دهد نور ایمان را ببینند و ایشان را درخشش دنیا حیرت زده کرده با وجود موقت بودن آن چشم های ایشان را لمعان و درخشش دنیا ربوده است وقتیکه از ایشان دینا گرفته شود و فوت کنند در تاریکی های آخرت می مانند همچنان وسائل ادراک با ایشان است ولی از آن درست استفاده نمی کنند اگر الله بخواهد آنرا نیز از ایشان میگیرد.[1]

همچنان ایمان ظاهری آنها را تشبیه با برق داده است و آیات وعید را با رعد تشبیه داده که توسط ایمان ظاهری خویش چند روز زندگی می کنند و وقتیکه آیات وعید نازل می شود گوش های خود را از ترس می پوشانند و رفتن نور به معنای فوت آنها است از دنیا رحلت کردن که همیشه در تاریکی های آخرت خواهند ماند.

مطلب سوم: قساوت قلب

قساوت قلب انسانها را نیز الله متعال با جاری شدن آب از میان سنگ ها مثال گفته است. مثال قساوت قلبی بنی اسرائیل را الله متعال در قرآن کریم بیان کرده است که از سنگ هم سخت تر است چون از سنگ

[1] - تفسیر شعراوی ج ۱ ص ۱۸۲

آب جاری می شود از ترس الله متعال می لولد و شق می شود اما قلب بنی اسرائیل از این هم سختر است که هیچ نوع تمایل را به سوی حق پیدا نکرد در حالیکه معجزه بزرگی را نیز دیدند.

{ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ}[1]

ترجمه: بعد سخت شد دلهای شما بعد از آن پس دلهای شما مانند سنگ یا بیشتر از آن سخت شد بعضی از سنگ ها طوری اند که از آنها آب جاری می شود و بعض از آنها آن است که شق می شود از آن آب بیرون می شود و بعض از آنها آن است که می لولد از ترس الله متعال و الله متعال بی خبر نیست از اعمال شما.

در این آیه مبارکه الله متعال مثال قلب های را ذکرمی کند که از سنگ هم سخت تر اند زیرا سنگ های وجود دارد که از ترس الله متعال آب جاری می کند و همچنان شق شده و آب از آن بیرون می شود ولی دلهای بنی اسرائیل با وجود اینکه حیات و زنده اند به حدی سخت شده که نمی توان حق را درک کند.

مطلب چهارم: اعمال کفار

الله متعال اعمال کفار را نیز با آب تشبیه کرده است که در ظاهر آب مانند معلوم می شود وقتیکه نزدیک شوند هیچ چیزی برای شان باقی نمی باشد از دور مانند سراب معلوم میشود کفار در دنیا خیلی از اعمال نیک مانند بشر دوستی صداقت امانت داری و غیره را انجام می دهند و از الله متعال توقع ثواب دارند از اینکه ایمان ندارند تمام اعمال آنها نابوده شده است این عمل کفار را الله متعال با سراب تشبیه میدهد که از دور مردم بر آن گمان آب داشته وقتیکه نزدیک می شوند هیچ چیزی بدست شان نمی آید آب وجود داشته نمی باشد و الله متعال می فرماید:

[1] - سوره بقره / ۷۴

{وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (39) أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ}[1]

ترجمه: و آنانیکه کافر اند اعمال آنها مانند سراب است در دشت وبیابان انسان تشنه بر آن گمان آب می کند تا اینکه به برسد نمیابد چیزی را و الله متعال را درمیابد تمام اعمالش را جزای پوره میدهد و الله متعال زود حساب کننده است یا مانند تاریکی های در بحر دارای امواج یک موج موج دیگری را پوشاند که بر سر آن ابر است تاریکی ها بالای تاریکی است وقتیکه دست خود را بیرون می کند نمی تواند آنرا ببیند و برای کسیکه الله متعال نور نگذاشته باشد برای وی نور نیست.

در این دو آیه فوق دو مثال ذکر شده است مثال اول برای کفاری است که مردم را به سوی کفر دعوت می دهند و گمان می کنند که ما بر یک عقیده سالم هستیم ولی در حقیقت هیچ عقیده و باور درستی ندارند مثال آنها مانند سراب است و این برای جهل مرکب است و هرچه صاحبان جهل بسیط است آنها کفاری اند که مقلد اند برای پیشوایان کفری خود مثال دوم برای آنها است.[2]

مطلب پنجم: ریاکار

الله متعال اعمال ریاکارانه انسان ها را نیز در قرآن کریم با آب تشبیه داده است که انسان ریا کار در اعمال خود ریاکاری و خودنمایی داشته و فکر می کند ثواب عمل وی باقی است و هیچ نوع ضیاع نپذیرفته است وقتیکه نزد الله متعال می رود هیچ عملی را در آن جا نمی یابد این را الله متعال با خاکی تشبیه داده است که بر سنگ هموار گذاشته شود و بر آن سنگ باران با شدت ببارد هیچ خاکی روی سنگ باقی نمی ماند عمل ریاکار همچنان است الله متعال می فرماید:

[1] - سوره نور / ۳۹-۴۰

[2] - تفسیر ابن کثیر ج ۳ ص ۲۹۷.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ.}[1]

ترجمه: ای اهل ایمان صدقات خویش را با اظهار نیکی و ضرر نابود نسازید مانند کسیکه مال خود را انفاق می کند به نمایش مردم و بر الله و روز آخرت ایمان ندارد مثال وی مانند مثال سنگ لشم و همواری است که بر آن خاک وجود دارد بر وی برسد آب فراوان اورا هموار بجا بگذارد بر هیچ چیزی از کسب خود قادر نخواهد بود و الله متعال قوم ظالم را هدایت نمی کند.

خلاصه اینکه عملی که در آن اخلاص نباشد و خود نمایی کنند هیچ سودی ندارد ابن عاشور می نویسد: الله متعال در آیه قبلی ذکر از صفت اخلاص نمود از آن انتقال نمود به صفت کسانی که اخلاص نداشته و موجب محو شدن عمل شان گردید.[2]

در حقیقت در اینجا دو نوع اعمال خرابکارانه وجود دارد یکی آنکه عمل خود را یاد آور می شود و بر مردم منت می گذار و دوم کسانیکه اذیت می کنند مردم را این دو را با عمل مرائی تشبیه داده است..

مطلب ششم: انفاق کننده های مخلص و ریا کار

الله متعال جهت فهماندن بیشتر چیزهای غیر محسوس را با محسوس تشبیه میدهد چون محسوس را انسان زودتر می پذیرد و غیر محسوس درک و فهم باطنی می خواهد کسانی که انفاق می کنند ولی در انفاق خود اخلاص نداشته و ریا کاری می کنند از اینکه باطن آنها صاف نیست و پاکی باطنی ندارند و درک شان به حدی نیست که غیر محسوس را درست درک کنند عمل ریا کارانه آنها را با محسوس و مشاهد طبیعی تشبیه میدهد که هرجا به شکل ساده یافته می شود در این سلسله الله متعال نفقه کنندگان ریاکار را با سنگ هموار و لشم تشبیه داده است که بر سر آن خاک باشد و بالای آن باران تند و شدید ببارد در این صورت آیا بر سر سنگ کدام ذره یی از خاک باقی می ماند؟ البته که واضح که نخیر همچنان

[1] - سوره بقره / ۲۶۴

[2] - التحریر والتنویر ابن عاشور ج ۳ ص ۴۳-۴۴

اعمال کفار مانند خاکی است که بر سر سنگ هموار است و ریاکاری آنها مانند باران تندی است که شدت آن زیاد بوده و از تندی و شدت چیزی را بر سر سنگ باقی نمی گذارد. الله متعال می فرماید:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ}[1]

ترجمه: ای اهل ایمان صدقات خویش را با اظهار نیکی و ضرر نابود نسازید مانند کسیکه مال خود را انفاق می کند به نمایش مردم و بر الله و روز آخرت ایمان ندارد مثال وی مانند مثال سنگ لشم و هموارى است که بر آن خاک وجود دارد بر وی برسد آب فراوان اورا هموار بجا بگذارد بر هیچ چیزی از کسب خود قادر نخواهد بود و الله متعال قوم ظالم را هدایت نمی کند.

در مقایسه اعمال کسانی را ذکر می کند که اخلاص داشته و همیشه از آن سود می برند و الله متعال آنها ر امی پسندد که عبارت ازمی باشد و این اخلاص در وجود آن است.الله متعال می فرماید،.{و مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ }[2]

ترجمه: و مثال کسانیکه انفاق می کنند اموال خویش را جهت رضایت الله متعال و تصدیق قلبی به ثواب آن مانند باغی است در جای بلند که به آن برسد آب فراوان میدهد میوه خویش را دوچند اگر به وی آب فراوان نرسد شبنم برایش کافی است و الله متعال به آنچه می کنید بینا است.

در این ایه مبارکه الله متعال مثال نفقه کسانی را ذکر می کند که به یقین و باور ثواب آنرا انجام میدهند و نیت ایشان تنها و تنها رضایت الله متعال است از کسی پاداش نمی خواهند و نه ریا کاری میکنند و نه بر مردم احسان باری و نه مردم را اذیت می کنند به باغی که در یک جای بلند است طبیعتا باغی که در جای

[1] - سوره البقره / ۲۶۴
[2] - سوره البقره / ۲۶۵

بلندی باشد میوه به بارمی آورد و همچنان آب فراوان به آن باغ میرسد میوه آن باغ دو چند شده و بارور می شود و اگر آب فراوان هم نرسد از لحاظ موقعیتی که دارد تنها شبنم برای آن باغ کافی است به همین شکل صدقه و انفاق با اخلاص است.

ابن قیم الجوزیه رح در تطبیق این مثال می نویسد: سنگ با قلب ریا کار موذی و احسان بار کننده تشبیه داده شده است عملیکه به نیت ریا کاری انجام داده است مانند خاک است هموار بودن سنگ که خاک را نگهداری نمیکند قلب وی است که هیچ نوع عملی را نگهداری کرده نمی تواند و نه در قلب وی جای میگیرد و در وقت ریاکاری نمی تواند مقابل باران شدید را بگیرد بلکه در وقت ریاکاری همه عمل وی نابود می شود.[1]

مطلب هفتم: حیات دنیا

اکثر مردم امروز به طرف دنیا میلان بیشتر داشته و خود را تسلیم دنیا می کنند و باور به این دارند که آنچه نزد آنها از دنیا است همیشه با ایشان است و حاکم بر آنچه هستند که نزد آنها است و این سبب غرور و تکبر آنها می شود در دنیا و آنها فریب دنیا را خورده و همیشگی آخرت و بقای آنرا فراموش کرده اند الله متعال از دتیا طلبی مردم را بر حذر داشته و نمی گذارد فریب دنیا را بخورند و دلبستگی به دنیا و ثروت آن نشان ندهند ازاین جهت دنیا را الله متعال لهو و لعب و بازیچه اطفال معرفی کرده و آخرت را خانه ابدی و همیشگی نشان داده است گرچه دنیا و ما فیها در ذات خود چیزی بدی نیست مخلوق الله متعال است اما وسیله امتحان و آزمایش الهی و اگر از آن درست بهره گیری شود مطابق خواست و دستور الله متعال کدام مشکلی در آن نیست مشکل در این است که دنیا وسیله فریب انسان شده و آخرت را فراموش کنند از این جهت الله متعال جهت فهماندن بیشتر انسان ها مثال های را در قرآن برای دنیا می دهد که مردم درست بفهمند و دلبسته دنیا نشوند از جمله آن مثال ها این که الله متعال تشبیه دنیا را با آبی تشبیه میدهد که نازل شود و زمین خرم و تازه گردد سپس ناگهان خشک شده و تازگی خود را از دست دهد می فرماید:

[1] - اعلام الموقعین ابن القیم الجوزیه ج ۱ ص ۱۶۰ – ۱۶۱ طبع دارالحدیث قاهره بدون تاریخ.

{إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ}[1]

ترجمه: بی گمان مثال زندگانی دنیا مانند آبی است که آنرا از آسمان نازل کنیم با آن خلط شود نبات زمین از آنچه که مردم و حیوانان می خورند تا اینکه زمین تازگی خود را گرفته و مزین شود و اهل آن گمان می کنند که آنها بر آن قادر و توانا اند بیاید به آن فصل امر ما به عذاب شب هنگام یا در روز آنرا خشک و میده میده گردانیم گویا دیروز چنین نبود همچنان ما به تفصیل بیان می کنیم آیات خویش را برای قومی که می اندیشند.

نتیجه گیری

از بحث کنونی که از نخست شروع گردید تا اکنون به نتایج و دستاورد های ذیل دست یافتم

۱- آب یک منبع حیاتی برای تمام زنده جان های روی زمین و بحر ها است بخصوص برای نسل بشریت که هم قوام آن بدون آب ممکن نیست و هم خلقت آنها با آب گره خورده است که از لحاظ شرعی و سیاسی و اقتصادی آب در زندگی انسان اهمیت خاص دارد سیراب شدن انسان ها و حیوانات و نباتات و درختان همه متعلق به آب است تجارت های بزرگ میان کشورهای همجوار و دور از طریق آب انجام می شود که کشتی بزرگ در میان بحر وسائل تجارتی را از یک کشور به کشور دیگر انتقال میدهند.به همین

[1] - سوره یونس / ۲۴

منظور الله متعال در شریعت اسلام به حفاظت و نگهداری آب تشویق کرده و مردم را مستحق ثواب نموده آنکه در دادن آب همت داشته باشد.

۲- آب برای تولید خود منابع و مصادر دارد که قرآن کریم به همه آنها یا صراحتا ویا ضمنا اشاره کرده که از جمله منابع معرفی شده برای آب در قرآن کریم چشمه ها نهر ها و چاه ها می باشند که این ها مصادر آب از میان زمین به شمار میرود منابع دیگری که از طرف آسمان موجودیت دارد ابرها کوه های ژاله باران با همه انواع آن می باشد.

۳- آب از منظر قرآن کریم انواع مختلفی دارد که ابتدا به آب شیرین و گوارا و اب تلخ و ترش و نمکی می باشد که آب شیرین و نوشیدنی را قرآن کریم با کلمات مختلف تعبیر نموده است گاهی به لفظ العذب گاهی به معین گاهی فرات و گاهی هم طهور تعبیر شده است.

۴- آب وسیله نعمت هم در دنیا و هم در آخرت معرفی شده است نعمت های دنیا مانند صحت و سلامتی وسیله حیات و سیله زراعت و مالداری و دهقنانی تزاوج و تلقیح این همه توسط آب انجام می شود. همچنان آب وسیله عذاب در دنیا می شود مانند فرعون قوم نوح علیه السلام و هلاک قبایل مانند قوم سبأ در آخرت نیز وسیله نعمت است مانند جو های آبی که در بهشت روان است چشمه ها مانند کافور سلسبیلا و غیره همچنان مانند نعمت اخری وسیله عذاب اخروی نیز است آبهای که برای دوزخیان داده می شود مانند مهل حمیم و غیره این همه وسیله عذاب اخروی برای انسان است.

۵- الله متعال در قرآن کریم از آب به شکل ابزار برای مثال های متعدد استفاده کرده است گاهی عظمت و بزرگی خویش را در قالب نزول باران از ابرها و گاهی بیان احوال اعمال انسان ها مطرح کرده است اعمال انسان را مقایسه کرده در اخلاص با باران زندگی دنیا را نیز مثال داده با آب این همه امثال در قرآن کریم توسط آب بکار رفته است.

پیشنهادات

طی تکمیل این تیزس چند پیشنهادی دارم در خصوص اهمیت و ارزش دادن به آب و نگهداری آن از آلوده گی و جلوگیری از هر نوع فساد آن:

۱- نخست باید همه افراد به این موضوع چه از طریق رسانه ها و چه از طریق دیگر وسائل اعلانات اطلاع پیدا کنند که آب یک منبع حیاتی برای انسانها و دیگر زنده جان ها است که در استفاده کردن از آن باید صرفه جویی صورت گیرد و نباید بدون ضرورت بکار برده شود شیوه های مصارف بی جا که در بحث گذشت باید به سمع تمام باشنده گان یک محیط و منطقه رسانیده شود. باید تمام مصارف بی مورد که موجب ضیاع آب می شود از سوی حکومت و نظام های حاکم بر کشور جلوگیری شود.

۲- روش های جلوگیری از ضیاع آب باید از طریق پوستر ها و لوحه های بزرگ در دیوارها و جاهای که مشاهده عمومی دارند نصب شود و با مسائل شرعی و از آدرس آموزه های اسلام به نشر رسد تا آگاهی عامه به شکل آسان و واضح صورت گیرد و ازآن مردم همه جا روش های جلوگیری ضیاع آب را دریابند.

۳-جهت جلوگیری از فساد و آلوده شدن آب باید به روش های اسلامی و قوانین پذیرفته شده دنیا باید جدی توجه صورت گیرد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

1. ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد، نزهة الأعین النواظرفی علم الوجوه والنظائر، نشار موسسة الرسالة بیروت بدون تاریخ.
2. ابن القیم الجوزیه، اعلام الموقعین، طبع و چاپ : دارالحدیث قاهره بدون تاریخ.
3. ابن جزی، محمد بن احمد کتاب التسهیل لعلوم التنزیل طبع چهارم دارالکتاب العربی بیروت سال: ۱۴۰۳ ه ق.

۴ ابن جوزی، نزهة أعین النواظر فی الوجوه و النواظر، ناشر: موسسة الرسالة بیروت لبنان سال: 1404ق طبع اول .

۵ ابن حجر العسقلانی، الامام حافظ ابن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، تحقیق محمد فؤاد عبد الباقی، اخراج و تصحیح محب الدین الخطیب ناشر: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع سال: ۷۷۳ه و ۸۵۲ م.

۶ ابن حنبل، احمد، مسند احمد بن حنبل – ناشر: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع بدون سال.

۷ ابن عاشور، محمد طاهر التونسی، التحریر و التنویر مشهور به تفسیر ابن عاشورناشر: الدار التونسیه للنشر تونس سال: ۱۹۸۴ م.

۸ ابن عربی،ابوبکر محمد عبدالله احکام القرآن طبع اول دارالجیل بیروت سال: ۱۴۰۸ ه ق.

۹ ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن ابی بکر غالب بن عبدالرحمن: المحرر الوجیزفی تفسیر کتاب العزیز، تحقیق محمد فواد عبدالباقی ناشر: دارالکتب العلمیه بیروت لبنان.

۱۰ ابن فارس احمد بن زکریا بن حبیب الرازی المعروف بابن فارس (ت ۳۹۵ه) معجم مقاییس اللغة تحقیق شهاب الدین ابو عمر طبع ۲ دارالفکر بیروت لبنان سال : ۱۴۱۵ ه ۱۹۹۴م.

۱۱ ابن کثیر اسماعیل بن عمر تفسیر این کثیر ناشر: دار طیبة للنشر و التوزیع طبع دوم سال: ۱۴۲۰ ه.

۱۲ ابن منظور افربیقی، محمد بن مکرم (متوفای: ۷۱۱ه ق) لسان العرب،ناشر: دارصادر بیروت لبنان سال طبع:: ۱۴۲۰ه ق.

۱۳ احمد بن فارس بن زکریا معجم مقاییس اللغهْ تحقیق شهاب الدین طبع اول بیروت دارالفکر سال: ۱۴۱۵ ه ق.

۱۴ احمد عبدالوهاب عبدالجواد تلوث المیاه العذبة ، ناشر: سلسلة دائرة المعارف البیئیة ناشر: الدارالعربیة للنشر و التوزیع طبع اول سال: 1995.

۱۵ اشرف الباوردی فوزی، تاملات فی خلق السماوات و الارض، ناشر: دارالکتب العلمیه بیروت لبنان سال: ۱۴۲۰ ه ق.
۱۶ اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد بن المفضل الراغب (متوفای: ۵۰۲ه ق) المفردات فی غریب القرآن، ناشر: دارالقلم دمشق بدون تاریخ.
۱۷ البانی، شیخ محمد ناصرالدین، (متوفای: ۱۹۹۹م) صحیح الجامع ، ناشر: دار ابن جوزی و المکتبه المعارف
۱۸ بخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم ، الجامع الصحیح مشهور به صحیح البخاری، ناشر: دارالکتب العلمیه بیروت لبنان سال: ۱۴۲۰ ه ق.
۱۹ بقاعی، برهان الدین ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور، ناشر: دارالکتب العلمیه بیروت لبنان سال: ۱۴۳۰.
۲۰ الجرجانیْ علی بن محد الشریف، التعریفات، ناشر: مکتبه لبنان – بیروت طبع اول سال: ۱۹۷۸م.
۲۱ الجزائری، ابوبکر جابر، ایسرالتفاسیر لکلام العلی الکبیر، ناشر: انتشارات دارالفکر بیروت لبنان سال طبع: ۱۴۲۱ه ق.
۲۲ الجوزیه، ابن القیم، اعلام الموقعین ،طبع دارالحدیث قاهره بدون تاریخ.
۲۳ الحسینی، أیمن ،العلاج بالماء وطرق التداوی به ، ناشر: مکتبة ابن سینا القاهره نوبت طبع اول سال چاپ: 1992.
۲۴ خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، ناشر: دارالفکر العربی القاهره بدون تاریخ.
۲۵ خلیل، نظمی ابوالعطا، اعجاز النبات فی القرآن الکریم ، ناشر: دارالکتب العلمیه بیروت لبنان بدون تاریخ.
۲۶ الدیب، محمد محمود، الجغرافیا الإقتصادیة ناشر: مکتبه الأنجلو المصریة القاهره نوبت طبع اول سال: ۱۹۸۱.
۲۷ رازی، فخرالدین، مفاتیح الغیب مشهور به تفسیر کبیر، طبع اول ناشر دارالفکر بیروت سال: ۱۴۰۱ ه ق.
۲۸ زحیلی د ، وهبه: اصول الفقه الاسلامی، ناشر دارالفکر دمشق سوریه سال طبع: اول تاریخ 1986م
۲۹ زحیلی، د وهبة بن مصطفی، الفقه الإسلامی و أدلته، ناشر: دارالکتب العلمیة بیروت لبنان سال: ۱۴۲۰ ه

۳۰ زمحشری محمد عمر جارالله تفسیر کشاف ناشر: المکتبة العلمیة بیروت طبع اول سال: ۱۴۲۱ه

۳۱ زمحشری، محمد بن عمر ابوالقسم جارالله، اساس البلاغة(متوفی: ۵۳۸ه ق) مکتبه نور بدون تاریخ.

۳۲ سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داوود، ناشر: درالکتب العلمیه موقعیت: بیروت لبنان سال: چاپ : ۱۴۲۰ ه ق.

۳۳ السمرقندی، ابواللیث نصر بن محمد، بحرالعلوم مشهور به تفسیر سمرقندی، دارالکتب العلمیة بیروت لبنان سال: ۱۴۲۰.

۳۴ سید قطب، بن ابراهیم،(متولد ۱۹۰۶م) تفسیر فی ظلال القرآن ناشر: دارالشروق بیروت وقاهره سال: ۱۹۵۰م.

۳۵ شامی، ابن عابدین، شامی، المکتبه العلمیه بیروت لبنان بدون طبع و تاریخ.

۳۶ الشرقاوی، محمد عبدالله، القرآن والکون طبع ۳ بیروت موقعیت: لبنان دارالجیل سال طبع ۱۴۱۱ ه مطابق ۱۹۹۱م.

۳۷ الشرنوبی محمد عبدالرحمن مشکلات البیئة المعاصرة ، ناشر: مکتبة الانجلوة المصریة قاهره طبع اول، سال: 1193م.

۳۸ طبری ابن جریر ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان عن تاویل آی القرآن ، ناشر: دارالمعرفة بیروت لبنان سال: ۱۴۰۶ه ق.

۳۹ عبدالمنعم فهم الهادی و برکة دنیا محسن، عالم النباتات فی القرآن الکریم طبع: دارالفکر العربی قاهره طبع اول. سال: 1990م.

۴۰ الغرناطی ابوحیان، محمد بن یوسف بن حیان متوفای ۷۴۵ه ق البحر المحیط ناشر: دارالفکر بیروت لبنان سال: ۱۴۲۰ه ق.

۴۱ الغضبان منیر محمد، المنهج التربیوی للسیرة النبویة، مکتبه المنار اردن طبع اول سال : 1991م.

۴۲ فتحی، عبدالعزیزالعبادسیه،الماء فی القرآن الکریم دراسة موضوعیة، رساله دکتورا، تحت اشراف د/ مروان محمد ابوراس ص 78 سال: 1422ه ق.

۴۳ الفقی محمد عبدالقادر، القرآن والمعادن، ناشر: دارالکتب العلمیه بیروت لبنان.

۴۴ قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر انصاری(م ۶۷۱ه- ق) الجامع لأحکام القرآن مشهور به تفسیر قرطبی، ناشر: دارالکتب المصریة قاهره سال: ۱۳۸۴ه – ق.

۴۵ قزوینی، ابوعبدالله محمد بن یزید ابن ماجه (ت ۲۰۹ ه ق) سنن ابن ماجه: ناشر: دارالرسالة العالمیه بیروت بدون تاریخ.

۴۶ قشیری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم ، ناشر: دارالکتب العلمیه بیروت لبنان سال: طبع ۱۴۲۰ ه ق.

۴۷ کارلین اولوین، اقتصادیات النقل البحری، کارلین أولوین، ترجمه مختار السویقی مطابع مدکور القاهره طبع دوم سال: 1979،

۴۸ کوثر محمد ریاض، عبدالرسول، الجغرافیا الإقتصادیة بدون طبع و نوبت چاپ.

۴۹ مبارکفوری، صفی الرحمان، الرحیق المختوم، ناشر: دارإحیاء التراث موقعیت بیروت لبنان سال چاپ: ۱۴۲۹ ه ق.

۵۰ محمد بن عبدالعزیز بن عبدالله، الماء فی الفکر الإسلامی و الأدب العربی، وزارت اوقاف و شئون اسلامی کشر مغربی طبع اول سال: 1996.

۵۱ مصطفی، محمد کمال، اسرار العلاج بالماء الساخن والاسترخاء، ناشر: دارالطلائع القاهرة سال چاپ: 1998م

۵۲ مهدی، علی، جغرافیة البحار و المحیطات، المکتبه العلمیه بیروت لبنان سال: ۱۴۲۱ه ق.

۵۳ یسری، محمد ، د عبس تلوث المیاه و تحدیات الوجود، ناشر: سلسلة التنمیة والبیئة الاسکندریة طبع دوم سال: 1996.